

نقش بازرگانان در انقلاب مشروطه ایران

نویسنده

سید علی خرغامی





نقش بازرگانان در انقلاب مشروطه ایران

نویسنده: سید علی ضرغامی

مؤسسه نشر سیمرغ آسمان آذرگان

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۹

چاپ و لیتوگرافی: چاپ پارمیدا

شمارگان: ۵۰۰

قیمت: ۳۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۲-۰۸۱-۷

آدرس: کرج، جاده ملارد، گلستان ۴۳، ساختمان دیبا، واحد ۲۹ - کد پستی: ۳۱۶۶۹۳۶۸۶۹



پیشگفتار

بازرگانان به عنوان رکن اصلی بازار، همواره یکی از گروه های اصلی قدرت در ایران بودند که بر اساس جایگاه اجتماعی و اقتصادی خود ایفای نقش می کردند. آنان با آغاز حکومت قاجار در نتیجه ضعف حکومت و سلطه قدرت های خارجی با وضعیت نامناسبی روبرو شدند و این امر باعث تضاد بین بازرگان و حاکمیت شد. با این حال در حدود دو دهه قبل از انقلاب مشروطیت، بازرگانان بزرگ با استقلال در کار و فعالیت اقتصادی نقش مهمی در اقتصاد کشور بازی می کردند. دولت نیز با آنان رابطه ای متقابل داشت. اما آنچه این رابطه را بر هم زد کاهش روزافزون استقلال تجار بزرگ در مقابل دولت و نیز بازرگانان خارجی بود. از طرفی کاهش امنیت اقتصادی و از طرف دیگر اعطای امتیازات به رقبای خارجی روز به روز تجار را ناراضی تر میکرد. بعد از ماجرای تنباکو و الغای این امتیاز، بازرگانان بزرگ خود را پیروز محسوب کرده و دست از حمایت روشنفکران جنبش کشیدند. در سال های بعد چون دولت شکاف مالی خود را هنوز حل نکرده بود و بازرگانان نیز درک نکرده بودند که علت مهم این اعطای امتیازات انحصاری از سوی دولت، مشکلات مالی است که بازرگانان به حل آن کمک مؤثری نمی کردند، بنابر این اصلاحات مالی دولت ادامه یافت تا اینکه اداره گمرک ایران به بلژیکی ها سپرده شد. تغییراتی که آنان ایجاد کردند موجب تأثیر بر بازرگانان شد به این معنی که سود بازرگانان بزرگ کاهش می یافت. در واکنش به این اقدامات، صرافان و بازاریان تهران بست نشستند و به همراه سران اصناف مبارزه خود را پیش بردند. به عبارت دیگر رکود اقتصادی در سراسر ایران، بیکاری بالا، افزایش قیمت کالاهای اساسی، وضع نامناسب پیشه وران و اصناف، تغییر تعرفه ها به ضرر کالاهای داخلی و افزایش مشکلات و بدهی های صرافان و عوامل مؤثر بر بازرگانان و سایر گروه های اقتصادی و اجتماعی بود. هزینه این بست نشینی ها را بازرگانان بر عهده می گرفتند. نتیجه اینکه جنبش توانست به کمک بازرگانان به توقف فعالیت نوز بلژیکی و همکاری، حذف نظام تیولداری، حذف کنترل مستقیم دولت بر فعالیت های اقتصادی و نیز تصویب بودجه ملی در مجلس شورای ملی جامه عمل بپوشاند، به این نکته هم باید توجه داشت که روند حوادث بعد و قبل از مشروطه نشان داد که نا امن شدن محیط اقتصادی و کاری بازرگانان بسیار مهم تر از آزادی خواهی و ترقی خواهی، آنان را به عرصه سیاست کشاند. به عبارت دیگر نمی توان رواج ایده آزادی خواهی را عامل مهمی برای پیوستن بازرگانان و تجار به جنبش مشروطه دانست. از آنجا که یکی از راه های رواج این ایده گسترش روابط تجاری با غرب بود، تا زمانی که سود بیشتری نصیب بازرگانان می کرد، شرایط موجود مورد استقبال بازرگانان قرار می گرفت اما زمانی که سود تجار در چارچوب

گسترش این روابط کاهش یافت و دولت امتیازات بیشتری به بازرگانان خارجی داد، آن موقع بازرگانان به سایر گروه های اجتماعی پیوستند و جنبش را تأیید کردند.

فهرست

فصل اول: پیشینه تاریخی مشروطیت.....	۹
۱-۱- مقدمه.....	۹
۱-۲- مفهوم استبداد، مشروطه و آزادی.....	۹
۱-۳- پیشینه تاریخی مشروطیت.....	۱۲
فصل دوم: جنبش مشروطیت در ایران.....	۱۵
۲-۲- ریشه های فکری مشروطیت در ایران و آغاز جنبش.....	۱۹
فصل سوم: رده های اجتماعی و سیاسی و نیروهای دخیل در مشروطیت ایران.....	۲۵
۳-۱- نفوذ و تأثیر غرب.....	۲۵
۳-۲- روشنفکران.....	۲۷
۳-۳- علما و روحانیون.....	۳۰
۳-۴- ایلات و عشایر.....	۳۴
۳-۵- زنان.....	۳۷
۳-۶- دهقانان و پیشه وران و اصناف.....	۴۱
۳-۷- بازرگانان.....	۴۴
فصل چهارم: نقش بازرگانان در جنبش مشروطه ایران.....	۴۷
۴-۱- بازرگانان و جنبش تنباکو.....	۴۸
۴-۲- بازرگانان و انقلاب مشروطه.....	۵۰
کتابنامه.....	۶۱

فصل اول: پیشینه تاریخی مشروطیت

۱-۱- مقدمه

انقلاب مشروطه مهم ترین تحول اجتماعی ایران در آغاز قرن بیستم است و همچنین از مهم ترین انقلاب های اجتماعی خاورمیانه محسوب می شود و به گونه ای، محور تحولات اجتماعی ایران در اواخر عهد قاجار و همچنین تأثیر گذار بر جنبش های ضد استعماری جهان بویژه در آسیا، بخصوص در هندوستان و افغانستان ذکر شده است. با توجه به اهمیت این انقلاب و میزان تاثیر گذاری آن در تحولات بعدی جامعه ایران در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، شناخت عوامل مؤثر در شکل گیری آن ضروری می باشد و در این میان پر واضح است که نیروهای اجتماعی نقش تعیین کننده ای در انقلاب مشروطه داشته اند. حال این پرسش مطرح است که کدام نیروهای اجتماعی در روند شکل گیری و تداوم امقلاب مشروطه مؤثر بوده و هر یک چه میزان تأثیر گذار بوده است؟ در این کتاب که تحت عنوان «نقش بازرگانان در انقلاب مشروطه ایران» در اختیار علاقه مندان قرار میگیرد به بررسی آغاز رویارویی بازرگانان و حاکمیت و علل مشروطه خواهی آنان و سهم این گروه در به ثمر رسیدن جنبش مشروطه خواهی ایران می پردازیم و در حقیقت بدنبال یافتن پاسخی بر این پرسش هستیم که علل و عوامل مشروطه خواهی بازرگانان و نقش آنان در مشروطیت چه بود؟ لذا ابتدا شرایط اجتماعی و ترکیب اقشاری جامعه ایران را در آن دوره به اختصار بررسی کرده و سپس نیروهای مؤثر در انقلاب و بطور اخص نقش بازرگانان در روند انقلاب مشروطه را مورد بررسی قرار می دهیم.

۱-۲- مفهوم استبداد، مشروطه و آزادی

پیش از آنکه به موضوع مشروطه در ایران پردازیم و نقش بازرگانان را در به ثمر رسیدن انقلاب مشروطه ایران مورد بررسی قرار دهیم، بد نیست به طور اختصار تعاریفی روشن از مفاهیمی چون: استبداد، مشروطه و آزادی ارائه نموده و سپس به مباحث اصلی وارد شویم. واژه استبداد، عربی و صدور باب استفعال است. در لغت به معنای خود رأی بودن است و مفهوم کلی آن عبارت است از: عمل یا تصمیم خود سرانه یک فرد، بدون در نظر گرفتن

دیدگاه های دیگران.^۱ در بیان مفهوم استبداد، نائینی می گوید: «کسی که در یک رژیم استبدادی حکومت می کند، کشور و مردم آن را اموال شخصی خود به شمار می آورد و مردم را به سان بردگان و چارپایانی می انگارد که باید آرزوهای او را برآورده سازند. هر کس که در خدمت آن حکمران مستبد در آید از وی پاداش می گیرد. وگرنه آن حکمران او را تبعید می کند یا می کشد. حکمران مستبد دارایی هر کسی را که بخواهد برای خویش یا برای کسانی که تحت فرمانش هستند تصاحب می کند. هر حقی را که بخواهد احقاق و یا پایمال می کند و آنچه بعنوان مالیات از مردم می گیرد را حق خود می پندارد و به رغم همه این زشتی ها، خود را به صفات خدا تقدیس می کند.»^۲

بنابراین در یک سیستم استبدادی، فرمانروای مستبد هر کاری که بخواهد می تواند انجام بدهد. سخن اش قانون است. همه منابع کشور متعلق به اوست و تمام قدرت در وجود او متمرکز است.

مشروطه: در مورد ریشه لغوی واژه مشروطه اختلاف نظری میان پژوهندگان تاریخ مشروطه ایران وجود دارد. ظاهراً واژه مشروطیت از کلمه «شارت» فرانسوی یا «چارتا» ی انگلیسی به معنای فرمان و قرارداد گرفته شده است و در مشرق زمین هم لفظ مشروطیت و هم اصطلاح قانون اساسی و هم شکل حکومت مشروطه از کشور عثمانی سابق اقتباس شده است.^۳ در نوشته های پژوهشگران تاریخ نو ایران و ترکیه، واژه «مشروطه» برای حکومتی که بر پایه قانون اساسی و نظام پارلمانی بنیاد شده باشد بکار برده شده است. در ایران دو واژه مشروطه و مشروطیت به نظام حکومتی اطلاق می گردد که پس از انقلاب ۱۳۰۶م/ ۱۳۲۴ ه.ق پدید آمد. واژه مشروطه به این معنی همان طور که گفته شد از کشور ترکیه عثمانی به ایران آمد و در زمان تأسیس حکومت ملی در آنجا در سال ۱۲۹۳ ه.ق و آغاز حکومت سلطان عبدالحمید ثانی، این لغت در آنجا رایج شد و به نظر می رسد که برای نخستین بار میرزا حسین خان سپهسالار در سال ۱۸۶۸ م هنگامی که سفیر ایران در دربار امپراطوری عثمانی بود این واژه را در خلال برخی گزارش های خود به ایران معرفی کرد.^۴ تقریباً همه نویسندگان ایرانی دوره انقلاب مشروطه، واژه مشروطه را بدون در نظر گرفتن ریشه واقعی آن، از ریشه عربی «شرط» گرفته اند. از این میان می توان شمس کاشمیری، شیخ اسماعیل محلاتی و

۱. عبدالهادی حائری: تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران، امیر کبیر، ۱۳۹۴، ص ۲۳۳.

۲. عبدالهادی حائری: همان، ص ۲۳۰.

۳. محمود ستایش: مشروطیت ایران، تهران، نشر ثالث، ۱۳۸۵، ص ۲۰.

۴. عبدالهادی حائری: تشیع و مشروطیت ایران، ص ۲۵۳.

ادیب الحکما قرباغی را نام برد. این واژه از این جهت در ایران متداول شد که رژیم نو قرار بود به حدود و شروطی که قانون تعیین می کرد محدود باشد. در مورد واژه مشروطه این نکته نیز قابل ذکر است که از سال ۱۹۰۷ م / ۱۳۲۴ ق زیر فشار آزادی خواهان، واژه مشروطه برای نخستین بار در یک فرمان رسمی محمد علی شاه به کار برده شد چون در فرمانهای پیشین مظفرالدین شاه، لغت «مشروطه» باد نشده بود، شاه جدید ناچار شد که تغییر رژیم ایران را از استبدادی به مشروطیت با ذکر کلمه «مشروطه» تأیید کند. بنابراین محمدعلی شاه در فرمان خود اعلام کرد:

«از همان روز که فرمان شاهنشاه مبرور انارالله برهان شریف صدور یافت و امر به تأسیس مجلس شورای ملی شد، دولت ایران در عداد دول مشروطه صاحب کنستیتوسیون به شمار آمد.»^۱

آزادی: امکان عملی کردن تصمیم هایی است که فرد یا جامعه به میل و اراده خود می گیرد. اگر انسان بتواند همه تصمیم هایی را که می گیرد عملی کند، کسی یا سازمانی او را محدود نکند و در قید و بند نیاورد، دارای آزادی مطلق و بی حد و مرز است، اما چون انسان بطور اجتماعی زندگی می کند نمی تواند آزادی مطلق داشته باشد زیرا آزادی بی حد و مرز به پایمال شدن آزادی افراد دیگر اجتماع می انجامد. به همین سبب است که هر جامعه ای با قانون ها و مقرراتی هم حافظ آزادی افراد آن جامعه می شود و هم حد و مرزهایی برای اینگونه آزادی بوجود می آورد. تلاش ها و مبارزات انسان در طول تاریخ، همواره برای بدست آوردن آزادی مشروع و قید و بند زدن به آزادی مطلق فرمانروایان ستمگر و زورگو بوده است. این درست است که آزادی از پایه های دموکراسی است. زندگی زیر یوغ استبداد در سخنان برخی فیلسوفان غربی با بردگی همسان شده و هدف همه ملت ها آزادی از این اسارت بوده است، ولی مفهوم آزادی در یک رژیم مشروطه و دموکراتیک نمی تواند در همین محدوده خلاصه شود. در یک رژیم مشروطه واقعی هر کس باید از آزادی برخوردار باشد و در داشتن یا نداشتن مذهب نیز آزاد باشد. هیچکس نباید به خاطر داشتن یا نداشتن عقیده ای خاص تحت فشار قرار گیرد. آزادی بیان، آزادی مذهب، آزادی قلم، آزادی اجتماعات از مشخصات نظام های دموکراتیک می باشند.^۲

۱. معبد الهادی حایری تشیع و مشروطیت در ایران، ص ۲۵۷.

۲. عبدالهادی حائری: همان، ص ۳۰۱.

۱-۳- پیشینه تاریخی مشروطیت

همانگونه که پیش تر اشاره شد، تلاش ها و مبارزات انسان در طول تاریخ برای بدست آوردن آزادی و قید و بند زدن به آزادی مطلق فرمانروایان زورگو بوده است و جوامعی که توانسته اند بر حاکمان خودکامه خود پیروز شوند و حکومت های فردی و استبدادی را براندازند، از آزادی های اجتماعی و فردی زیادی برخوردار شده اند. سیر جنبش مشروطه خواهی در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم قابل بررسی و جالب توجه می باشد. در نتیجه سه جنگ خونینی که در سال های ۱۸۶۴ و ۱۸۷۱ میلادی بوسیله آلمان، فرانسه و اتریش در اروپا صورت گرفت، چهار کشور مشروطه ایجاد گردید. دانمارک در سال ۱۸۶۴، اتریش و مجارستان در سال ۱۸۶۹م، آلمان در سال ۱۸۷۱م و جمهوری سوم فرانسه در سال ۱۸۷۵م. در خلال سال های بعد، جنبش های ملی در کشورهای بالکان پدیدار گشت و پس از جنگی که در سال ۱۸۷۸م میان عثمانی و روسیه رخ داد، رومانی زاده شد. از جمله کشورهایی که پیش از ایران با جنبش های مشروطه گری سر و کار داشت. کشور مصر بود. در هندوستان نیز از دهه ۱۸۵۰م به بعد چند قانون اساسی شناخته شد و بعد با انحلال کمپانی هند شرقی حکومت انگلیس بطور رسمی در هندوستان زیر نظر یک وزارت خارجه و یک پارلمان قرار گرفت و در نهایت در سال ۱۸۹۲م در هند قانون شورا ایجاد شد.

جنبش های مشروطه خواهی در اروپا در نتیجه قرن نوزدهم شدت گرفت. در انگلیس یک رشته قوانین اصلاحات تنظیم گردید. قوانینی مانند قانون آزادی حق رأی در انتخابات در سال ۱۸۹۷م و دیگر قوانین درباره حق آزادی شرکت در انتخابات و دادن رأی مستقیم در کرسی های پارلمان بوجود آمد. ایتالیا که به هفت بخش تقسیم شده بود. پس از یک رشته شورش در سال های ۷۰-۱۸۵۹ میلادی سرانجام اتحادیه ای بوجود آورد که دارای یک قانون اساسی بود و سپس دولت پادشاهی ایتالیا پا به عرصه وجود گذاشت. سیر جنبش مشروطه خواهی در ژاپن نیز شایان توجه است. این کشور، مشروطیت خود را تقریباً با صلح و صفا بدست آورد و مراحل پیشرفتش ۹ سال به درازا کشید، امپراطور ژاپن، آغاز جنبش را در سال ۱۸۸۱ میلادی اعلام و سرانجام در ۱۱ فوریه ۱۸۸۹م قانون اساسی کشور خود را تصویب کرد. در چین، در همان دوران پیش از مشروطه ایران یک سری فعالیت مشروطه خواهی صورت گرفت. پس از جنگ تریاک چینی ها با انگلستان (۱۸۴۲-۱۸۳۹ م) و پس از دخالت های روز افزون انگلیس و فرانسه و ژاپن در امور چین، برخی از روشنفکران و دانشمندان و کارکنان بلندپایه دولت دست به یک رشته اصلاحات داخلی زدند. شکست چین در جنگ با ژاپن در سالهای ۹۵-۱۸۹۴م سیر نوسازی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را تندتر گردانید. در همان

سال ۱۹۰۵م در چین، موضوع برابری، حقوق سیاسی برابر و انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان مطرح گردید.

در کشور عثمانی نیز بر اثر انتشار افکار جدید و مترقی، پیشروان سیاسی و آشنا به اوضاع اروپا بودند که در رأس آنها رجل بزرگ مشرق زمین، مدحت پاشا و همراهان او مانند ضیاء پاشا، احمد مدحت و سایر آزادی طلبان، تحت تأثیر جمعیت سری عثمانیان جوان در آمدند و تصمیم به ایجاد حکومت مشروطه گرفتند و بعلت عدم رضایت از سلطان عبدالعزیز که پس از مرگ وزیران و رجال دانا بر استبداد خود افزوده بود و اشخاص خیر خواه کشور را بی محاکمه تبعید می کرد، براساس فتوایی که از یکی از بزرگان روحانی گرفتند، سلطان را در سال ۱۲۹۳ هـ ق خلع کرده و برادرش سلطان مراد را به جای او گذاشتند و بعد سلطان عبدالمحمد ثانی جای او را گرفت و بزودی قانون اساسی که به دست مدحت پاشا صدر اعظم تهیه شده بود، امضاء شد و حکومت عثمانی سلطنت مشروطه شد.^۱ اگرچه سلطان عبدالحمید دوباره سلطنت استبدادی را در عثمانی برقرار کرد، اما این دوره کوتاه مشروطیت که نخستین حکومت ملی در شرق بود در یاد مردمان آزادیخواه ماند. و اصلاحات سیاسی و کشوری و لشکری در گذر از کشورهای اروپا به سوی کشورهای اسلامی مشرق زمین نخست به کشور عثمانی و مصر نفوذ کرد و از آنجا بتدریج به کشورهای دیگر از جمله ایران راه یافت. یکی دیگر از انقلاب های مشروطه، انقلاب روسیه در سال ۱۹۰۵م است. این انقلاب که تأثیر زیادی بر کشورهای آسیا گذاشت. در دهه های ۱۸۶۰ و ۱۸۷۰ آغاز شد. پس از شکست روس از ژاپن در جنگ (۱۹۰۵-۱۹۰۴م) و گسترش هرج و مرج داخلی، نیکلای دوم امپراتور روسیه بیانه ای بیرون داد و در آن شالوده اساسی آزادی را مانند مصونیت فردی، آزادی افکار و بیان و تشکیل اجتماعات را به مردم روسیه بخشید و انتخابات و اخذ رأی را بر اساس اصول دموکراسی قرار داد. پیروزی ژاپن در جنگ با روسیه (۱۹۰۵-۱۹۰۴م) موجی از هیجان در کشورهای مستعمره آسیا و آفریقا برانگیخت و انقلاب ۱۹۰۵م روسیه نشان داد که پیروزی بر استبداد و استقرار حکومت های مشروطه امکان پذیر است. بعد از انقلاب ۱۹۰۵م روسیه، قیام ها و انقلاب های مهمی در جهان شکل گرفت. مهم ترین این قیام ها عبارت بودند از قیام ملی هند در (۱۹۰۸-۱۹۰۵م) علیه بریتانیا، شورش های ماچی در تانگانیکا در (۱۹۰۷-۱۹۰۵م) علیه آلمان، قیام بامیاتا در آفریقای جنوبی علیه بریتانیا در ۱۹۰۶م، انقلاب مشروطه ایران در (۱۹۱۱-۱۹۰۶م)، انقلاب ترک های جوان در ۱۹۰۸م، انقلاب مکزیک در

۱. محمود ستایش: مشروطیت ایران، ص ۲۰.

۱۹۱۰م و انقلاب چین در (۱۹۱۲-۱۹۱۱م) که از بطن این قیام ها شکل های جدیدی از دموکراسی زاده شد.^۱

^۱ . ژانت آفاری: انقلاب مشروطه ایران، ترجمه رضا رضایی، تهران، نشر پیستون، ۱۳۷۸، ص ۱۱.

فصل دوم: جنبش مشروطیت در ایران

ایران پیش از جنبش مشروطه

ویژگی های طبیعی ایران و بارش کم باران و نیز وجود صحراهای پهناور مرکزی که رشته کوههای عظیم آنرا احاطه کرده است، در آستانه قرن بیستم موجب چند پارگی جمعیت روستاها و شهرهای جدا افتاده و قبایل خانه بدوش شده بود. بیشتر این قبایل، روستاها و شهرهای جدا افتاده از نظر اقتصادی مستقل بودند و بخش عمده صنایع دستی و کالاهای کشاورزی را خودشان تولید و مصرف می کردند. به سبب ارتباطات ضعیف، جاده های خراب، زمین های ناهموار و فواصل طولانی، تجارت نیز رونقی نداشت. تفاوت ها و اختلافات قومی و قبیله ای نیز این مشکلات طبیعی را تشدید می کرد. و پیچیدگی این تفاوت های قومی و قبیله ای وقتی بیشتر می شد که با اختلافات مذهبی در می آمیخت. بدین ترتیب ساختار قومی ایران شبیه یک موزائیک بود که اجزاء تشکیل دهنده آن اندازه و رنگ های متفاوتی داشت.^۱

جامعه ایران اوایل سده نوزدهم به چهار طبقه تقسیم می شد، اول طبقه ملوک الطوائف، که شامل درباریان، شاهزادگان، فرمانروایان، وزرا، اعیان و اشراف می شد. دوم، طبقه متوسط مرفه که متشکل از تجار و پیشه وران بود و از آنجا که نیازهای مالی مساجد، بازار، مکاتب و تکایا را بسیاری از بازاریان و بازرگانان و پیشه وران تامین می کردند این طبقه متوسط تجاری، پیوندهای محکمی با علماء طلاب و آخوندها داشت. سومین طبقه، مزد بگیران شهری بودند که شاگردان و کارگران و باربران و عمده های ساختمانی را در بر می گرفت و چهارمین طبقه هم شامل رعایا، ایلات و دهقانان می شد.^۲

در دوران قاجار و بخصوص پیش از دوران مشروطه، شاه تنها قدرت مطلق بود. هر کاری که می خواست انجام می داد. سخنش قانون بود. همه وزیران را منصوب می کرد و می

^۱ . پرواند آبراهامیان ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی، تهران، نشرتی، ۱۳۷۷، ص ۲۳.

^۲ . پرواند آبراهامیان: ایران بین دو انقلاب، ص ۴۳.

توانست وزراء، صاحب منصبان و قاضیان را بر کنار کند. زندگی و مرگ همه در دست او بود. افرادی که مورد بی مهری او واقع می شدند و یا معدوم می شدند، اموالشان به سلطان می رسید. همه حقوق و اختیارات مانند خدمات عمومی، استخراج معادن، کشیدن خطوط تلگراف، ساختن جاده، راه آهن و غیره و حق بهره برداری از همه منابع کشور متعلق به او بود. بیشتر کارمندان دولت در هر مرتبه و مقامی فاسد و رشوه خوار بودند. امور اداری بر بنیان همان شیوه قرون وسطایی بود. استان ها و ایالات در عمل مانند دولت جداگانه ای به شمار می آمدند و حکام و فرمانروایان بعلت اینکه به شاه و درباریان رشوه می دادند دارای استقلال فراوانی بودند. خان ها و سران قبایل کمتر به ماموران دولت توجه داشتند و خود، یک سیستم حکومتی و حتی دادگستری برای خود برقرار کرده بودند. یک ارتش نیرومند مرکزی و دائمی تحت فرمان حکومت وجود نداشت و در مواقع بحران، سران قبایل مشغول سربازگیری می شدند.^۱

امور مالیاتی و گمرک در دست مقاطعه کاران بزرگ قرار داشت. آنها این شغل را به بهای گزافی از شاه خریده بودند و پیش از هر چیز، وسیله ای پیدا می کردند که بتوانند هزینه هایی را که صرف کرده اند با دریافت جبران کنند و علاوه بر آن مقدار زیادی سود ببرند. بدین ترتیب تنها مقدار ناچیزی از مالیات دریافت شده وارد صندوق دولتی می گردید. تا پیش از نهضت مشروطه و در دوران استبداد قاجار هیچ زمینه ای برای پیدایش احزاب سیاسی وجود نداشت. نیروی سیاسی غیر روحانی که بتواند نقش اپوزیسیون حکومت را به عهده بگیرد در میان نبود و این نقش، عملاً بر عهده روحانیون بود.^۲ از نهادها و سازمان های کارآمد جامعه مدنی خبری نبود. به همین جهت از شاه و صدراعظم و وزرایش به «رؤسای دولت» و از مراجع و علمای روحانی به «رؤسای ملت» تعبیر می شد. دستگاه قضایی، ثبت املاک و قراردادهای، رسیدگی به مرافعات حقوقی و صدور احکام مربوط به آن در اختیار روحانیون بود و نظام مالیاتی هم بر دو نوع بود:

روحانیون مالیات شرعی را دریافت می کردند و دولتیان مالیات عرفی را و مداخله هر یک در قلمرو قدرت دیگری باعث درگیری و اضطراب اجتماعی می شد. بعد از جنگ های ایران و روس در نیمه اول قرن سیزدهم هجری و شکست های ایران و از دست دادن بسیاری از ولایات طی عهدنامه گلستان و ترکمنچای، تجاوزات روس و انگلیس فزونی گرفت و دول

۱. عبدالهادی حائری: تشیع و مشروطیت ایران، ص ۱۳.

۲. ماشاء الله اجودانی: مشروطه ایرانی، تهران، دختران، ۱۳۸۲، ص ۱۶۵.

اروپایی دیگر نیز در زورگویی به ایران پیرو روس بودند. فرانسوی ها امتیاز حق انحصاری حفريات عتيقه را در تمام قلمرو ایران برای مدتی نامحدود برای خود گرفتند.^۱ در دوره پانزده ساله آخر تاجداری ناصرالدین شاه، دولت سیر قهقرایی را پیمود. قدرت اقتصادی اش تحلیل رفت. هیچ همتی در راه اصلاحات سیاسی صورت نگرفت. دولت بتدریج اعتبار سیاسی اش را نزد مردم از دست می داد و نفوذ امپریالیسم هم به اوج خود می رسید. فشار پیش آمدهای داخلی و خارجی بارها دولت را به خیال اصلاحات انداخت اما هر بار به شکست انجامید. در مرحله کوتاه بین سال های ۱۳۱۶ - ۱۳۱۴ ه.ق دولت به برخی اصلاحات دست زد. تأسیس هیأت وزرای مسئول، بر پا کردن مجلس عمومی اصلاحات، اصلاحات مالی، آزادی نسبی که آثار آن رواج مطبوعات نو بود،^۲ اما این اصلاحات با شکست روبرو شد و از آن پس، دولت با بحران مالی و سیاسی تازه ای روبرو شد و در اجرای رفورم مالی درماند و از قدرت و اعتبار سیاسی اش کاسته شد و در ۱۵ سال پیش از انقلاب مشروطه، ایران با ۳ میلیون تومان کسری بودجه دست به گریبان بود.^۳ بحران های مالی، استقرار خارجی، واگذاری امتیازاتی به بیگانگان، کاهش دادن ارزش پول و سوء استفاده و فشار ناشی از فروش و حراج مناصب دولتی، دولت قاجار را با بحران مشروعیت روبرو ساخته بود. ناصرالدین شاه وقتی از سفر سوم خویش به اروپا بازگشت گفت:

در این سفر، آنچه ملاحظه کردیم تمام نظم و ترقی اروپا به جهت این است که قانون دارند. ما عزم خود را جزم نموده ایم که در ایران قانونی ایجاد نموده و از روی قانون رفتار کنیم.^۴

هیأتی مأمور قانون نویسی شد اما از آغاز، کسانی به ایراد گرفتن از قانون پرداختند و کار را بر هم زدند. ناصرالدین شاه در سال ۱۳۰۲ ه.ق به این اندیشه افتاد که برای پیشبرد نقشه اصلاحات به کمک خبرگان آلمانی نیاز دارد. بدنبال آن، چند ماه بعد میرزا محسن خان معین الملک از طرف شاه به آلمان رفت. دو سه تقاضا داشت: تحکیم روابط سیاسی ایران و آلمان، استخدام مشاور برای اصلاح تشکیلات اداری و ترقی قشون ایران توسط آلمانی ها. آخرین بار که در دوران ناصری قضیه قانونگذاری به میان آمد بدنبال قیام علیه انحصارنامه رژی بود. در روز هشتم مارس ۱۸۹۰ میلادی بدنبال رشوه هایی که به مقامات دولت ایران داده شد، امتیاز

۱. محمود ستایش: مشروطیت ایران، ص ۲۹.

۲. فریدون آدمیت: اینولوژی نهضت مشروطیت ایران، تهران، گستره ۱۳۸۷، ص ۴.

۳. جان فور ان: مقاومت شکننده، ترجمه احن تبین، تهران، رسا، ۱۳۷۷، ص ۲۱۹.

۴. فریدون آدمیت: اینولوژی نهضت ایران، ص ۱۲.

انحصاری تنباکو به تالبوت انگلیسی واگذار گردید. مقرر گردید شرکت تالبوت سالانه ۱۵۰۰۰ پوند به علاوه یک چهارم سود خالص را به شاه بپردازد. به تالبوت اجازه داده شد همه توتون و تنباکو تولید شده در ایران را خریداری کند. مدت امتیاز ۵۰ سال بود. در این امتیاز بیش از سایر امتیازات، منافع بازرگانان، مغازه داران، اصناف و توتون کاران را مستقیماً در معرض تهدید قرار می داد.^۱ در جریان جنبش تنباکو، آهنگ اعتراض نخست از شیراز برخاست که مهم ترین منطقه تنباکو خیز بود و از آنجا به کرمان، اصفهان، خراسان، آذربایجان و پاره ای ولایات دیگر سرایت کرد. در سال ۱۳۰۷ ه.ق سید جمال الدین اسد آبادی به ایران آمد و در انتقاد از روش حکومت و پریشانی احوال مردم، بی پرده سخن گفت و خواستار آزادی، صلح، اصلاحات، قانون و عدالت شد. کلام او در دل مردم به خصوص طبقه تاجر و کاسب و طلبه مؤثر افتاد. نامه ای به میرزا حسن شیرازی نوشت و در آن به ظلم و ستم حکومت اشاره کرد. به سیاست استعماری روس و انگلیس حمله برد و از میرزای شیرازی خواست که برخیزد و مردم را در قیام علیه جور و فساد رهبری کند. طرد امتیاز نامه تنباکو از طرف میرزا حسن شیرازی و آشتیانی به مردم قوت بخشید. خطه فارس مانند اصفهان زیر نفوذ انگلیس بود و کمتر انتظار می رفت طغیان عمومی از آنجا شروع شود، اما از آنجا که کشت توتون و تنباکو از عمده منابع تولید اقتصادی آنجا بود، عاملان تولید و تجارت دخانیات تمام همت خود را به بسیج مردم علیه دستگاه رژیم به کار بستند. باری در جریان جنبش تنباکو بازرگانان و بازاریان، درس خواندگان و طلاب و عامه مردم همراه شدند. بعد از الغای امتیاز تنباکو نیز در ۱۳۱۳ ه.ق ناصر الدین شاه ترور شد.

در دوره ده ساله ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۴ ه.ق تغییرات عمده ای در روال حکومت بوجود نیامد مگر در دوره وزارت یکساله امین الدوله که جهات مثبتی داشت. امین الدوله به کارهایی دست زد از این قرار:

تأسیس مجلس شبه قانونگذاری به نام «مجلس مخصوص دولتی» با مسئولیت تنظیم نقشه اصلاحات عمومی، تمرکز دستگاه مالیه و تعدیل دخل و خرج که مهم ترین مشکل داخلی بود، استخدام مستشاران بلژیکی برای ایجاد نظم و تمرکز در گمرک، ایجاد نظام ژاندارم به سبک اروپایی برای امنیت راه ها، ساختن دو کارخانه قند و کبریت سازی، برپا کردن انجمن معارف به ریاست میرزا محمود خان احتشام السلطنه، ایجاد مدرسه ای ملی باهمکاری میرزا حسن رشیدی.^۲ از اقدامات امین الدوله که بگذریم این دوره ده ساله نیز امتداد همان

۱. جان فوران: مقاومت شکننده، ص ۲۵۰.

۲. فریدون آدمیت: ایدئولوژی نهضت مشروطه ایران، ص ۱۰۵.

عواملی است که بحران اقتصادی را به بار آورد، فشار سیاسی و اقتصادی را افزایش داد و از قدرت معنوی و مادی حکومت در مقابله با دشواری های داخلی و خارجی کاست. از زمان ترور ناصرالدین شاه تا سال ۱۳۲۴ ه. ق که نهضت مشروطه به پیروزی رسید، ده سال شور و هیجان سیاسی بر کشور حاکم بود، جمعیت ایران را در آن روزگار حدود ۹ تا ۱۰ میلیون نفر تخمین زده اند. که به سه بخش شهری، روستایی و ایلی تقسیم می شد. ساکنان تهران نیز حدود دویست هزار تن بودند.^۱

۲-۲- ریشه های فکری مشروطیت در ایران و آغاز جنبش

پس از اشغال نظامی بوسيله ناپلئون در سال ۱۷۹۸ و نقشه ای که برای دستیابی به هندوستان از راه زمین به کمک روس ها در سر داشت، ایران مورد توجه قدرت های بزرگ اروپا یعنی فرانسه، انگلیس و روسیه قرار گرفت. در اوایل قرن نوزدهم، جنگ های متوالی روس و ایران، نظر ایران را به لزوم کسب وسایل قدرت و اتحاد با بعضی دولت های دیگر اروپایی جلب نمود و افتتاح باب روابط با فرانسه موجب آمدن یک هیأت نظامی فرانسوی به ریاست ژنرال گاردان به ایران در سال ۱۲۹۲ ه. ق و آموزش ارتش ایران شد.^۲ بعد از رفتن هیأت نظامی فرانسوی، هیأت دیگری از انگلستان جانشین آنها شد. این کارها از یک طرف و تمایل عباس میرزا، ولیعهد ایران به اخذ فنون و صنایع اروپا و ترویج آن در ایران از طرف دیگر، راه ورود اولین خدمات و تمدن غرب را در ایران باز کرد. این آغاز نوگرایی در ایران بود. این نوگرایی اروپایی همواره با نام بنیانگذار آن، شاهزاده قاجاری عباس میرزا همراه بوده است. عباس میرزا و همکارش میرزا ابوالقاسم قائم مقام به این نتیجه رسیدند که پیشرفت های علمی و فنی اروپائیان سبب برتری آنان بر ایران شده و اگر ایران بخواهد به زندگی خود ادامه بدهد به ناچار باید یک رشته نوسازی در آن پایه گذاری گردد. مانند امور اداری نو، ارتش نو، سیستم مالیاتی نو، آموزش و پرورش نو و مانند آن و در راستای این نوگرایی اقداماتی نیز صورت گرفت. از قبیل اعزام دانشجویانی در سال های ۱۸۱۱ و ۱۸۱۵ میلادی به انگلستان، بنیان گذاری یک نظام جدید یعنی ارتش نوین و نظام وظیفه، تأسیس چاپخانه در تبریز در سال ۱۸۱۲ م و اقداماتی از این قبیل. پس از عباس میرزا، آغازگر دومین اقدام در راستای نو سازی، میرزا تقی خان فراهانی معروف به امیر کبیر بود. وی ارتش دائمی احیا کرد و برای قطع نیازمندی های ارتش و قطع واردات خارجی، پانزده کارخانه ساخت. نخستین روزنامه رسمی

^۱ . مشروطه خواهی ایرانیان (مجموعه مقالات): به کوشش ناصر تکمیل همایون، تهران، انتشارات باز، ۱۳۸۳، ص ۳۷.

^۲ . محمود ستایش: مشروطیت ایران، ص ۲۰.

کشور را با عنوان " وقایع اتفاقیه " منتشر کرد. و اولین دبیرستان سبک جدید را با عنوان دارالفنون بنیاد نهاد. هزینه های اضافی دربار را کاهش داد و درآمد دولت را با بالا بردن عوارض گمرکی واردات، نظارت دقیق بر کار مأموران مالیاتی و وضع مالیات جدید افزایش داد.^۱

میرزا صالح شیرازی و میرزا جعفر خان مشیرالدوله تبریزی که از دانشگاه های انگلیس فارغ التحصیل شده بودند، بعدها در مراحل نوسازی کشور نقش هایی داشتند، بطور مثال میرزا صالح شیرازی یک چاپخانه در سال ۱۸۱۹ تأسیس نمود و نخستین روزنامه فارسی را در تهران به سال ۱۸۳۹م منتشر ساخت و علاوه بر این به مأموریت های گوناگون دیپلماتیک نیز گماشته شد. میرزا صالح شیرازی در کتاب خاطرات خود ضمن اشاره ای به تاریخ انگلیس آنجا را ولایت آزادی می نامد و می گوید « مردم آزادی مطلق دارند که نمایندگان خود را انتخاب کنند و نمایندگان هم به نوبه خود حق دارند عقیده خود را آزادانه در پارلمان بیان کنند بدون اینکه مورد تعرض مقامات قرار گیرند. نمایندگان مجلس عوام هر فرمانی را که توسط شاه یا مجلس اعیان صادر می شود، اگر باور داشته باشند که به سود مردم نیست، حق دارند آنرا معلق سازند.»

میرزا صالح شیرازی خاطرات خود را از انگلیس در سالهای ۱۸۱۹ - ۱۸۱۵ میلادی نوشت یعنی در دومین دهه قرن نوزدهم عقاید مربوط به رژیم مشروطه را به ایران آورد. گزارش او از اصول مشروطه مانند آزادی بیان، آزادی انتخابات، حاکمیت پارلمان و دیگر جنبه های رژیم مشروطه انگلیس، در ایران تازگی داشت و چنین به نظر می رسد که نوشته های میرزا صالح یکی از کهن ترین آثاری می باشد که پیرامون رژیم مشروطه انگلیس بوسیله یک مسلمان به نگارش در آمده است.

روند نوگرایی در ابتدای دوره قاجار گرچه به کندی پیش می رفت ولی هرگز متوقف نگردید و بوسیله تنی چند از شخصیت های هواخواه اصلاحات مانند امیر کبیر دنبال گردید. از دیگر کسانی که در این دوره به نوسازی دست زد، میرزا جعفر خان مشیرالدوله تبریزی بود که چند پست دولتی را در مراحل گوناگون اشغال کرد. او به شورای دولت، یعنی نخستین کابینه دولتی سبک اروپایی را در سال ۱۸۵۸م تشکیل داد که دارای شش وزارت بود و در زمان همین مشیرالدوله بود که ملکم خان، مرد سیاسی، نوگرا و دیپلماتیک سده نوزدهم، رساله خود را به صورت یک نامه برای او نوشت و در این رساله یک حکومت قانونی و تفکیک

۱. پروانه آبراهامیان: ایران بین دو انقلاب، ص ۷۰.

قوای حکومت را پیشنهاد نمود ولی این شورا عمر درازی نداشت چرا که به تحریک درباری‌های کهنه پرست، ناصرالدین شاه آن را فلج ساخت. ذکر این نکته نیز جالب است که با اینکه ناصرالدین شاه نشان داد که پادشاهی مستبد و دشمن اصلاحات است ولی در مواردی تحت تاثیر شرایط تاریخی و تشویق صدراعظم نوگرای خود میرزا حسین خان سپهسالار به اصلاحات گرایش یافت. به تشویق او به دیدار اروپا رفت تا پیشرفت‌های آنجا را از نزدیک ببیند. ناصرالدین شاه، خود در نامه‌ای به ظل‌السلطان به سال ۱۸۷۲ به این مطلب اعتراف می‌کند. او می‌نویسد که علاقه دارد اروپا را ببیند و با پایه و اساس اصلاحات و وسایل پیشرفت آشنا شود و می‌افزاید که می‌خواهد چیزهایی را که سبب پیشرفت مردم کشورهای دیگر شده را شخصا ببیند و سپس برگزیند، ولی چون بوسیله بسیاری از دربار‌های کهنه‌پرست محاصره شده بود، نوسازی به کندی پیش می‌رفت. دیگر دیپلمات غرب‌گرایی که کمک فراوانی به گسترش اندیشه نوسازی در ایران کرد، میرزا حسین خان سپهسالار، صدراعظم ناصرالدین شاه بود. او در فرانسه تحصیل کرد و در سال ۱۸۷۱ به مقام صدرات عظمی و پس از آن به مقام‌های دیگری نیز منصوب شد. اقدامات او برای نوسازی در زمینه نظام اداری و دادگستری به شیوه غربی، کاملاً مشهود است. او در خلال مدت خدمت خود نوسازی‌هایی را آغاز کرد. در سال ۱۸۷۲م یک کابینه بنام «دربار اعظم» و یک مجلس مشورت بنیان کرد که دارای ۹ وزارتخانه بود و در آن قوانین تصویب می‌شد و این خودگامی بود در راه آشنایی ایران با اصول مشروطیت. از دیگر کسانی که به گسترش اندیشه مشروطه خواهی در ایران کمک کردند، میرزا فتحعلی آخوندزاده بود که حکومت مشروطه‌ای را پیشنهاد میکرد که خود مردم با یک انقلاب بدست آورند نه آنکه صرفاً از رهبران نوگرا سرچشمه گیرد. در سال ۱۸۶۳م در یکی از نوشته‌های خود نوشت: «ای ایرانی‌ها! اگر می‌توانستید منافع آزادی و حقوق بشر را دریابید، هرگز بردگی و فروتنی را نمی‌پذیرفتید. به آموختن دانش‌ها می‌پرداختید و انجمن‌های سری بنیاد می‌کردید و با یکدیگر متحد می‌شدید که خود را از استبداد مستبدین رها سازید.» یکی از دوستان آخوندزاده که نقش موثری در گسترش تئوری مشروطه خواهی در ایران بازی کرد، میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله بود که در یک خانواده ارمنی زاده شد و سپس مسلمان گشت. او بیشتر زندگی خود را در اروپا گذراند و بیشتر اوقات دارای مقامات رسمی و دیپلماتیک بود و همین مواقع به او فرصت می‌داد که سیر نواحی و جنبش مشروطه‌گری را در کشورهای گوناگون از نزدیک ببیند. او روزنامه قانون را در لندن به چاپ می‌رساند و رساله‌های متعدد و پر معنی که وی تالیف و منتشر می‌کرد، انقلابی در افکار ایرانیان بوجود آورد. از دیگر اندیشمندانی که خود از

کارمندان بلند پایه وزارت خارجه بود و کمک فراوانی به گسترش اندیشه مشروطه خواهی در ایران کرد، یوسف خان مستشار الدوله تبریزی بود. در سال ۱۸۵۳م به عنوان کنسول ایران به روسیه رفت و هشت سال در آنجا ماند و در این مدت تحت تاثیر پیشرفت های دولت روسیه قرار گرفت. در سال ۱۸۹۹م کاردار سفارت ایران در پاریس گردید و سه سال در آنجا ماند و در خلال این مدت چهار بار به لندن رفت و متوجه شد که فرانسه و انگلیس صدبار از روسیه پیشرفته تر هستند. وی سرانجام به این نتیجه رسید که راز رشد و ترقی این کشورها در یک کلمه یعنی «قانون» نهفته است.

یکی دیگر از رهبران فکری مشروطه خواهی در ایران، محمد خان سینکی مجد الملک از وابستگان دستگاه حاکمه قاجار بود. مجد الملک در سراسر کتاب خود، کشف الغرایب، بر مساله حکومت قانون که در ایران وجود نداشت تکیه کرده و این کمبود را تنها علت ناکامی های ایران شمرده است. انتقادهای کوبنده او از بافت سیاسی ایران آن روزگار و حمله سخت او به حکومت استبداد و دور از قانون، اندیشه مشروطه گرایان چند سال بعد از مرگ او را تحت تأثیر قرار داد. پیش از مشروطیت و در خلال آن، دست نویس های او در میان گروهی از مردم دست به دست می گشت و مطالب آن با صدای بلند توسط میهن پرستان ایرانی خوانده می شد. یکی دیگر از پیشروان نوخواهی ایران، عبدالرحیم طالبوف بود. او بر خلاف ملکم خان و مستشار الدوله و دیگران خدمتگذار دولت نبود بلکه به کار و کسب و بازرگانی سرگرم بود. کمک او به بیداری ایرانیان و گسترش تئوری مشروطیت در ایران کم نبود. در تبریز به دنیا آمد و در ۱۷ سالگی به تفلیس رفت. او با استفاده از ترجمه روسی کتاب های فیلسوفان اروپایی با اندیشه های آنان آشنا گردید. طالبوف در نوشته های خود جنبه های مثبت نوخواهی و مشروطیت را مورد ستایش قرار داده است. محمدعلی سیاح مشهور به حاج سیاح که یک ایرانی آزادیخواه و از مخالفان سرسخت حکومت ناصرالدین شاه بود پیرامون سفر خود به چین و ژاپن در سال های پیش از ۱۸۷۷م مطالبی به جای گذاشت. وی که سیر نوخواهی و نوسازی آن کشورها را که از دهه ۱۸۵۰م آغاز شده بود از نزدیک مشاهده کرده بود، یک سیاحتنامه خارجی نوشت و در آن به شرح دیده ها و شنیده های خویش از سیر نوخواهی ژاپن و چین در سده نوزدهم پرداخت و اینچنین به بیداری مردم ایران کمک نمود. ملک المتکلمین نیز که در سال ۱۸۸۱ میلادی به هندوستان سفر کرده بود و از نزدیک شاهد سیر رویدادهای مربوط به قانون و مشروطه گری در آنجا بود و هم او بود که کتاب انتقادی خود بنام "من الحق إلى الحق"

را درباره سیاست و اجتماع نوشت، نقش مؤثری در بیداری توده داشت. ایرانی و دیگر ساکن هند که از رهبران فکری انقلاب مشروطه ایران به شمار می رود، سید جمال الدین موید الاسلام بود که روزنامه معروف حبل المتین را در کلکته و تهران برای چندین سال چاپ و منتشر می کرد.

بدین ترتیب از دهه آخر سلطنت ناصر الدین شاه به بعد، فکر آزادی و مشروطه و حمله به اصول استبداد، بیشتر دیده می شود. در این دوره، برجسته ترین متفکران و مبلغان سیاسی فعال بودند. بعلاوه از نسل پیش، گروه درس خوانده جدیدی بوجود آمده بود که ایدئولوژی سیاسی اش ترقی خواهی و آزادی خواهی بود. سرانجام در زمان سپهسالار قزوینی، بیداری در ایران آغاز شد و از زمان ماجرای امتیاز توتون و تنباکو تکانی در توده بوجود آمد و آن تکان و بیداری در پیشرفت بود تا به مشروطه خواهی انجامید.^۱

نهضت تنباکو در ۱۸۹۲ - ۱۸۹۱م در واقع پیش درآمد انقلاب مشروطه بود. اصلاح طلبان غیر مذهبی و ناراضیان مذهبی، تاجران و علمای شیعه ائتلاف سیاسی وسیعی تشکیل دادند که ناصرالدین شاه را واداشت تا برای اولین بار اعطای امتیازات اقتصادی را به قدرت های اروپایی را لغو کند. بعد از ماجرای تنباکو و ترور ناصرالدین شاه به سبب آشنایی و توجه اندیشه گرایان ایرانی به گسترش جنبش های مشروطه خواهی غرب، احساس کردند که نظام حاکم بر ایران دیگر قابل تحمل نیست و بر آن اندیشه بودند که ایران هنگامی که از امنیت و آرامش و ثبات برخوردار خواهد بود که حکومت استبدادی آن زمان در ایران ریشه کن شود. و یک نظام مشروطه دموکراسی گونه غربی جایگزین آن گردد. آنان متوجه شده بودند که رژیم ایران بعلت فساد حکومت از درون در حال واژگونی است و چون می دیدند که هم میهنانشان از هرج و مرج خسته و ناخشنودند، بنابراین یک مبارزه فکری و مطبوعاتی را از درون و بیرون آغاز کردند. این جنبش در واقع به گونه ای، دنباله و ادامه سیر جنبش های مشروطه خواهی بود که در بسیاری از کشورهای جهان رو به گسترش بود. بعلت همسایگی ایران با دو کشور در حال انقلاب یعنی روسیه و ترکیه عثمانی پیوندهای ایران با مصر و هندوستان و آگاهی از رویدادهای سیاسی - اجتماعی ژاپن و چین، کوشش های مبارزان ایران برای ایجاد رژیم مشروطه در آن هنگام، یک رویداد منطقی بود. در سال ۱۹۰۳م، امین السلطان و شش ایرانی دیگر از چین بازدید کردند. بنا به گفته محمدتقی خان هدایت که از جمله همراهان ایشان بود، در آن هنگام گروهی ایرانی در شانگهای چین به بازرگانی چای سرگرم

۱. احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، تهران، صدای معاصر، ۱۳۷۸، ص ۱۷۸.

بودند. این ساکنان ایرانی سرزمین چین که به مطبوعات آنجا دسترسی داشتند از سفر امین‌السلطان به چین آگاهی پیدا کرده بودند. این بازرگانان که بی شک با ایران پیوندهایی داشتند، آگاهی‌های فراوانی پیرامون فعالیت‌های نوخواهی و مبارزات سیاسی آن کشور در اختیار هم‌میهنان خود در ایران می‌گذاشتند. همچنین خود گروه امین‌السلطان نیز با خبرهای تازه‌ای پیرامون گسترش چین در زمینه نوسازی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی به ایران بازگشتند. از سوی دیگر در نتیجه بحران اقتصادی اوایل سال ۱۹۰۵م قیمت مواد غذایی در ایران بالا رفت، درآمدهای حاصل از گمرک کاهش یافت و درخواست وام‌های جدید رد می‌شد. دولت نیز تعرفه‌های وضع شده بر تجار را افزایش داد و بالاخره بروز یک سلسله حوادث پی در پی شهری که معمولاً در جریان جنبش‌های سیاسی پیش می‌آید به مقابله جویی مردم با دولت رسید. حکومت به اعمال قدرت دست زد اما قدرت، چاره‌گر طغیان مردم نبود. در این مرحله جبهه نسبتاً متشکلی از علمای معتبر بوجود آمد و پیشوایان روحانی نیز بست نشینی‌های خود را آغاز کردند و این خود باعث جوش و خروش بیشتر مردم گردید که در همان ابتدا چنانکه خواهیم آورد منجر به تأسیس عدالتخانه گردید که البته معوق ماند. سپس تأسیس پارلمان ملی و قانون اساسی از جانب آزادیخواهان و روشنفکران اعلام گردید و موضوع قانون، مساوات، ترقی ملت و تأسیس مجلس مطرح گشت و فرمان شاه مبنی بر تأسیس مجلس شورای اسلامی در چهاردهم جمادی الثانی سال ۱۳۲۴ ه.ق (پنجم اوت ۱۹۰۹م) صادر گردید. نخستین جلسه مقدماتی مجلس به دعوت علیرضا عضدالملک، ایلخان قاجار از رجال و علماء و اعیان و بازرگانان در ۲۷ جمادی الثانی سال ۱۳۲۴ ه.ق منعقد شد. سپس طرح نظامنامه انتخاباتی در چند جلسه عمومی مرکب از رجال و اعیان و تجار و کسبه و نمایندگان دولت و با حضور عامه مردم شهر خوانده شد و هر کس حق سخن گفتن داشت. طرح نظامنامه در جلسه ۱۳ رجب ۱۳۲۶ ه.ق تصویب شد و در نوزدهم رجب، شاه آنرا امضاء کرد و مجلس شورای ملی در ۱۸ شعبان ۱۳۲۶ ه.ق با نطق مظفرالدین شاه افتتاح شد.

فصل سوم: رده‌های اجتماعی و سیاسی و نیروهای دخیل در مشروطیت ایران

۳-۱- نفوذ و تأثیر غرب

در سیر تحولات تاریخی از قرن نوزدهم به بعد که سلطه غرب گسترش یافت، جامعه ای نبود که از نفوذ آن ایمن بماند و سیاست کشورهای بزرگ، عاملی بود که در حرکت ها و تحولات غیر غربی مؤثر بود. یعنی جوامعی که زیر نفوذ مدنیت جدید قرار گرفته بودند، ناگزیر محکوم به دگرگونی های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بودند. در تمام نهضت های آزادی خواهانه بالکان، تحولات عثمانی، ترقی ژاپن، آزادی هند و غیره تأثیر عامل خارجی خیره کننده است. در مورد انقلاب مشروطه ایران نیز می توان گفت که تأثیر و نفوذ غرب از سال ۱۸۰۰ میلادی با فشارهای نظامی روس و انگلیس آغاز شد.^۱ روس ها که به سلاح جدید مجهز بودند با عبور از آسیای مرکزی و قفقاز، نیروهای متفرق ایرانی را به آسانی شکست دادند و معاهده های ننگین گلستان و ترکمنچای را به فتحعلیشاه تحمیل کردند. بریتانیا که نمی خواست از روس عقب بماند، نواحی جنوب ایران را اشغال کرد و قرارداد پاریس را به شاه قبولاند. امتیازاتی به روس و انگلیس داده شد که در نتیجه این گونه امتیازات، دو قدرت توانستند هر جا که بخواهند مراکز کنسولی و تجاری دایر کنند و تجار خود را از مشکلاتی مانند پرداخت های گمرکی، تعرفه های داخلی و محدودیت های دیگر آسوده کنند. این معاهدات دیپلماتیک در واقع آغاز گر نفوذ اقتصادی در ایران بود. یعنی به بیان دیگر شکست های نظامی ایران در برابر روس و انگلیس به امتیازات دیپلماتیک منجر شد، امتیازات دیپلماتیک، امتیازات تجاری را به دنبال آورد، امتیازات تجاری راه های نفوذ اقتصادی را هموار ساخت و نفوذ اقتصادی نیز صنایع سنتی را تضعیف کرد و در نتیجه آشفته گی های اجتماعی بوجود آمد که دولت و جامعه را به سمت اصلاحات راند که همانگونه که پیش تر اشاره شد، پیشگام

۱. پرواند آبراهامیان: ایران بین دو انقلاب، ص ۱۶.

این اصلاحات، عباس میرزا بود. در نیمه دوم سده نوزدهم، نفوذ اقتصادی غرب بیشتر بازارهای شهری ایران را تهدید کرده و به تدریج تجار و بازرگانان را در قالب طبقه متوسط، یکپارچه و متحد می ساخت. از سویی، ارتباط با غرب زمینه رواج مفاهیم و اندیشه های نو را فراهم ساخت و طبقه متوسط جدیدی به نام طبقه روشنفکر بوجود آورد که جهان بینی این روشنفکران جدید با اندیشه های روشنفکران قدیم تفاوت های بنیادین داشت. آنان به اصول لیبرالیسم، ناسیونالیسم و حتی سوسیالیسم باور داشتند و اصول برابری و آزادی را می ستودند. و افزون بر آن برخی واژه های غربی همچون پارلمان، دموکراسی، فئودال و غیره را به فرهنگ سیاسی جامعه ایران وارد کردند و همین مفاهیم رادیکال طبقه روشنفکر جدید بود که منجر به انقلاب مشروطه گردید.

بعد از شکست های نظامی ایران در نیمه اول قرن نوزدهم و ورود به عرصه سیاست جهانی، دربار قاجار نمایندگانی را برای مأموریت های مختلف به غرب و برخی کشورها از جمله روسیه و عثمانی روانه می کرد که در این مأموریت ها مأموران ایرانی با کارخانه ها، مدارس، تجهیزات نظامی پیشرفته، آزادی، قانون پارلمان و سایر مظاهر تمدن آشنا می شدند و وضعیت آنجا را با دنیای خود مقایسه می کردند و در نتیجه با آرزوی داشتن چنین وضعیتی به میهن خود باز می گشتند.^۱

مراوده بیشتر با غرب، دریافت جدیدی از لیبرالیسم اروپایی، حکومت پارلمانی، قانون اساسی و مشروطه را برای بخش های مهمی از جامعه ایران به ارمغان آورد. در میان اصلاح طلبان غیر مذهبی از جمله بسیاری از تاجران، صاحبان صنایع و برخی علمای ترقی خواه، این تلقی شکل گرفت که ایران باید بصورت جامعه متجددی در آید که در آن، قانون اساسی و مجلس، اختیارات حکومت را کنترل کنند.^۲

شاید مهم ترین عامل خارجی مؤثر در انقلاب مشروطه ایران، رقابت قدرت های انگلیس و روس و برخورد سودجویی ها و سوداگری های آنان در ایران بود. انگلیسی ها در آغاز از تغییر رژیم در ایران پشتیبانی کردند تا از دخالت های مستقیم روس بکاهند ولی پس از قرارداد ۱۹۰۷م، روس و انگلیس در از میان بردن انقلاب مشروطه با هم همکاری کردند. مثبت ترین اقدام سفارت انگلیس، تسهیل اعتصاب عمومی سال ۱۹۰۹م بود که نهایتاً به صدور فرمان مشروطیت انجامید.

۱. محمد سالار کسرایی: چالش منت و مدرنیته در ایران از مشروطه تا ۱۳۲۰، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۹، ص ۲۷۱.

۲. ژانت آفازی: انقلاب مشروطه ایران، ترجمه رضا رضایی، تهران، بیستون، ۱۳۷۸، ص ۴۳.

انگلیس معتقد بود که اگر در ایران شورشی به پا گردد، در آن شرایط دولت روس فعلاً به اشغال منطقه شمالی ایران مبادرت نخواهد ورزید، اما هر وقت انقلاب حالت تندروی به خود می‌گرفت از حمایت انگلستان خبری نبود و در برابر مداخله روس‌ها اعتراضی نمی‌کرد، چرا که نظر کلی سیاست انگلیس این بود که در همه حال نباید جنگ با روس مطرح باشد و هر بحرانی در مناسبات روس و انگلیس پیش آید با قراردادی میان دو دولت، پایان پذیرد. در مقابل، روس‌ها در سراسر دوران انقلاب مشروطه به مخالفت علنی با آن پرداختند ولی سوسیال دموکرات‌های روسیه حامیان انقلاب مشروطه شدند. در آن هنگام که اقدام‌های ضد انقلابی حکومت روسیه در اروپا و خاورمیانه مورد بحث بود، مقاومت ایرانی‌ها در برابر روسیه تزاری، مبارزه ضد امپریالیستی یک ملت ستمدیده به شمار می‌رفت که حمایت احزاب چپ و کارگری را می‌طلبید. به هر صورت حرکت مشروطه خواهی ایران همچون هر حرکت ملی دیگر نمیتوانست ساخته سیاست دولت بیگانه‌ای باشد و حتی متکی به قدرت بیگانه‌ای هم نبود. البته در اوضاع سیاسی آن زمان که دولت روس دشمن هر نهضت آزادیخواه بود، کاملاً معقول بود که سران نهضت ملی به هر قدرت دیگری روی آوردند، اما سران نهضت در عین اینکه به رقابت دو دولت روس و انگلیس آگاه بودند، هیچگاه به سیاست انگلیس اعتمادی زیادی نداشتند و نسبت به سازش کاری‌های بین دو رقیب سخت محتاط بودند.

۳-۲- روشنفکران

در شرایطی که نفوذ و تأثیر غرب، بیشتر بازاریان را در قالب طبقه متوسط، همبسته می‌ساخت، تماس با غرب نیز افکار جدید، ارزش‌های نو و بنابراین روشنفکران جدیدی به وجود آورد. در سده نوزدهم این روشنفکران یک قشر کوچک بودند و ناهمگون‌تر از آن بودند که یک طبقه اجتماعی تشکیل دهند اما قشر متمایزی را تشکیل می‌دادند زیرا همگی خواستار دگرگونی‌های بنیادی اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک بودند. آنان استبداد سلطنتی را دشمن آزادی و برابری و جزم اندیشی مذهبی را مخالف تفکر عقلانی و ملی‌گرایی را دشمن امپریالیسم خارجی و استثمار کشورهایمانند ایران می‌دانستند. طبقه روشنفکر قرن بیستم، مشروطیت، سکولاریسم را ابزار کلیدی برای ساختن جامعه‌ای نوین، قدرتمند و توسعه یافته می‌دانست. آنان بر این باور بودند که مشروطیت، سلطنت ارتجاعی را از بین خواهد برد، سکولاریسم نفوذ روحانیون را نابود خواهد کرد و نالیسونالیسم نیز ریشه استثمار را می‌خشکاند. گسترش طبقه روشنفکر جدید، نارضایتی اجتماعی فراگیری را بوجود آورد و طبقه روشنفکر که در اندیشه پیشرفت سریع بود، نارضایتی از روند آهسته نوسازی و همچنین فساد

دربار را بیان می کرد. کلا در جریان انقلاب مشروطه، نقش روشنفکر، نقش آموزش دادن بود. چون حتی شهروندان از نظر سیاسی آگاه هم به سختی معنای دموکراسی و ناسیونالیسم را می دانستند و روشنفکر وظیفه داشت این معانی را به هموطنان خود تفهیم کند، هر چند در بیشتر موارد خود او نیز برداشت عمیق و درستی از این مفاهیم نداشت.^۱ در سال های پایانی حکومت ناصرالدین شاه که کانون مبارزه علیه حکومت در خارج از ایران نیز رونق گرفته بود. روشنفکرانی چون ملکم خان، سید جمال الدین اسد آبادی، میرزا آقاخان کرمانی، شیخ احمد روحی و بسیاری دیگر از روشنفکران در خارج از ایران، در استانبول و عتبات، هند و لندن علیه حکومت فعالیت می کردند.^۲ جناح میانه روی روشنفکران مثل مجدالملک سینکی و میرزا علی خان امین الدوله همچنان در دستگاه حکومت، در تجدد دستگاه های اداری ایران می کوشیدند. در دوره استبداد صغیر نیز که مقاومت تبریز، شعله های مقاومت را در داخل کشور زنده نگه می داشت، ایرانیان تبعیدی و حامیان اروپایی آنها در آگاه کردن جهانیان از سرنوشت انقلاب ایران تلاش می کردند. آنان علاوه بر تشکیل کمیته های حمایتی، کمک پولی هم به آذربایجان و گیلان می فرستادند. در مراکز روشنفکری اروپا و ترکیه سخنرانی می کردند و برای تعدادی از روزنامه های خارجی مطالبی می نوشتند. در پائیز سال ۱۹۰۸م تقریباً دویست روشنفکر تبعیدی ایرانی در اروپا بودند.^۳

عده ای نظیر دهخدا که به پاریس و سپس به سوئیس رفته بود، موضع انقلابی گرفته و شاه را نفی کردند و رادیکال هایی مانند تقی زاده سعی فراوان کردند تا تصویری متعادل از انقلاب ایران به مخاطبان اروپایی خود ارائه دهند. روشنفکران، اعم از درس خواندگان، سیاستمداران غیر مذهبی و مذهبی و تجار آشنا به مسائل سیاسی در مبارزه با استبداد قاجار و برپایی نظام پارلمانی در ایران، رهبری سیاسی روحانیون را در انقلاب پذیرفتند. از یک سو مشروطیت و دستاوردهای آن را با موازین شرع تطبیق دادند و از سویی دیگر برای مشروعیت بخشیدن به مبارزات سیاسی خود در پس پشت روحانیون ایستادند تا کار مبارزه را پیش برند.^۴ در واقع روشنفکران ایرانی کوشیدند اساس قوانین قراردادی و اصول تمدنی را که از اساس با دینت بیگانه بود، با قوانین شرع و اصول آن آشتی داده و صورتی مقبول و شرعی از آن ارائه دهند. تا زمانی که این تناقض در مقام نظر و لابلای نوشته ها و کتاب ها مطرح

۱. ریچارد کاتم: ناسیونالیسم در ایران، ترجمه احمد تدین، تهران، کویر، ۱۳۷۱، ص ۴۰.

۲. ماشاء الله آجودانی: مشروطه ایرانی، تهران، اختران، ۱۳۸۲، ص ۲۵۰.

۳. ژانت آفازی: انقلاب مشروطه ایران، ص ۲۹۹.

۴. ماشاء الله آجودانی: مشروطه ایرانی، ص ۱۲۲.

بود مشکلی پیش نیامد اما وقتی کار به عمل کشید، مشکل با ابعاد تازه ای آغاز شد و تناقض‌های اساسی آن در مجلس ملی که می‌بایست اصول تمدن را به اجرا در آورد رخ نمود. در راستای فعالیتهای روشنفکران در جریان انقلاب مشروطه، در تهران گروهی انجمن معارف تشکیل دادند و با گردآوری کتابهای خود نخستین کتابخانه ملی کشور را تأسیس کردند. انجمن معارف که در برابر روحانیون محافظه کار از پشتیبانی دربار برخوردار بود توانست در مدت کوتاهی ۵۷ دبیرستان خصوصی در تهران تأسیس کند. شخصیت مهم کتابخانه و انجمن، حاج میرزا نصرالله ملک المتکلمین بود. در سال ۱۹۰۴ میلادی پنجاه و هفت روشنفکر مترقی که در کتابخانه ملی رفت و آمد داشتند به جلسه ای مخفی در حومه تهران دعوت شدند و در آنجا کمیته انقلاب را تشکیل دادند.^۱ بیشتر حاضران موافق بودند که حکومت استبدادی باید جای خود را به حکومت دموکراتیک بدهد. قرار شد جزوه‌هایی مخفی در دفاع از اصلاحات سیاسی و اجتماعی و استقرار قوه مقننه به سبک اروپایی منتشر شود. کمیته انقلاب تصمیم گرفت تاریخ انقلاب‌های مهم اروپا را به فارسی ترجمه کند و نامه‌هایی درباره ضرورت اصلاحات سیاسی در ایران به اروپا ارسال نماید. همچنین تلاش کردند عده ای از افراد با نفوذ جامعه مثل امرای قاجار، علما و سیاستمداران را با خود همراه کنند و به عضویت کمیته در آورند. سازمان‌های سیاسی و فرهنگی که در دهه قبل از انقلاب مشروطه در ایران تشکیل شدند مختص شهرهای شمال مثل تهران و تبریز نبودند بلکه در جنوب هم پدید آمدند. از اعضای این سازمان‌ها می‌توان میرزا آقاخان کرمانی، شیخ احمد روحی در کرمان، سید حسن تقی زاده و محمد شبستری در تبریز، امین الدوله، یحیی دولت‌آبادی و محمد حسین امین‌الضرب پسر تاجر بانفوذ تهران را نام برد.^۲ روشنفکران که خواهان تغییر نظام سیاسی بودند، مرام و مقصد خود را در ۲۶ ذیحجه سال ۱۳۲۳ ه.ق از این قرار مشخص کردند: تحصیل فرمان مشروطیت و برقراری اصل آزادی، مبارزه با مخالفین آزادی، ترغیب شاه در اعطای فرمان مشروطیت، برانداختن حکومت عین‌الدوله و قلع و قمع دار و دسته مخالفان آزادی و بالاخره در پنجم ربیع الاول سال ۱۳۲۴ ه.ق طی جلسه ای قدم تازه ای به سوی اعلام مشروطیت بوسیله روشنفکران برداشته شد و احتشام السلطنه موضوع تأسیس پارلمان و انتخاب نمایندگان و قانون اساسی را در جلسه فوق‌العاده دوباره مطرح کرد. حتی در زمان بست نشینی نیز، اصناف بست نشین، تحت تعلیم محافل روشنفکری سخن از دفع زمامداران غیر مسئول و تأسیس نظامنامه و حقوق ملت می‌راندند و بالاخره روشنفکران، مثل همیشه

۱. غلام رضا وطن دوست: بررسی موقعیت زن ایرانی در نشریات مشروطه، تهران، تحقیقات علوم انسانی، ۱۳۸۰، ص ۱۵.

۲. غلام رضا وطن دوست: همان ص ۶۵.

هاتف حاکمیت ملت و پارلمان و قانون اساسی بودند. تعلق و روشنفکری که بر ایدئولوژی مشروطیت حاکم بود حتی افکار عمومی را به سوی خود جلب کرد. نوشتن نظامنامه انتخابات همگانی نیز در فعالیت روشنفکری سهم مهمی داشت. در واقع فکر آزادی خواهی و مشروطه طلبی در درجه اول حاصل کار روشنفکران بود. انبوه نوشته های اجتماعی و سیاسی جدید را همان گروه بوجود آوردند. تربیت یافتگان و روشنفکران این نسل به مسئولیت مدنی خویش آگاه بودند و در ایفای دین و مسئولیت خود کوتاهی نکردند.

۳-۳- علما و روحانیون

در جریان نهضت تنباکو، مشارکت های علما تا حدودی بستگی به پیوندها، منافع سیاسی و اقتصادی آنها داشت. در اصفهان که علما منافع مستقیم در کشت تنباکو داشتند بیشتر علما با تاجران هم رأی شدند و تقاضای تحریم تنباکو کردند. اما در مشهد که در آمد علما به حکومت و به حرم امام رضا متکی بود، آنان از امتیاز تنباکو طرفداری نمودند.^۱ سید عبدالله بهبهانی در تهران علنا فتوای تحریم تنباکو را نقض کرد و در ملاء عام قلیان کشید. بنابراین اگر چه در دوران محمد شاه قاجار در سایه سیاست های میرزا آقاسی، قدرت و نفوذ روحانیون محدود شد اما در عصر ناصری دوباره اوج گرفت و با فتوای میرزای شیرازی در ماجرای تنباکو، راه مداخله روحانیون در امور سیاسی برای بدست گرفتن قدرت سیاسی بازتر شد. دولت ها هم برای پیشبرد مقاصد خود به آنان و نفوذشان نیاز داشتند. حتی روشنفکران لاییک و بی اعتقادی همچون میرزا آقاخان کرمانی و میرزا ملکم خان هم بر آن بودند که در مبارزات سیاسی خود از نفوذ روحانیون استفاده سیاسی کنند. جمعی از همین روشنفکران و تجار با مشارکت میرزا آقاخان کرمانی و ملکم خان، نامه ای به میرزای شیرازی نوشتند و مشوق او شدند که صرفا به پیروزی تنباکو قانع نشود و به کار سلطنت ناصر الدین شاه خاتمه بدهد.^۲ به بیان دیگر، قدرت و نفوذ و اعتباری که روحانیون در دوره صفویه بدست آورده بودند با حکومت افشاریه و زندیه رو به کاهش نهاد اما در دوره قاجار به جهت تمایلات شیعی و مذهبی شاهان این سلسله و جنگ های ایران و روس، روحانیون شیعه مجددا قدرت یافتند و روز به روز بر اعتبار آنان افزوده شد و عملا، به قدرت سیاسی تازه ای دست یافتند که تا آن زمان بی سابقه بود. جنگ ایران و روس در دوره قاجار، زمینه اجتماعی تازه ای برای افزایش قدرت روحانیون فراهم آورد. فتحعلیشاه برای بسیج مردم علیه لشکرکشی های روس

^۱ . ژانت آفازی: انقلاب مشروطه ایران، ص ۵۴.

^۲ . ماشاء الله آجودانی: مشروطه ایرانی، ص ۱۹۲.

به پشتیبانی و حمایت روحانیون نیاز داشت. مجتهدان با حکم جهاد علیه کفار روس به حمایت شاه برخاستند و مردم، بخصوص روستائیان را به نفع او در جنگ با روس به جهاد دعوت کردند. جنگ ایران و روس عملاً این فرصت را به روحانیون داد که در سرنوشت سیاسی کشور دخالت داشته باشند و کم کم شاه و قدرت حکومت را در قبضه حمایت و اقتدار خود گیرند. در جریان جنبش مشروطه نیز روحانیون نقش بسیار مهمی بازی کردند. مسأله حفظ مملکت اسلامی از تجاوز کفار یکی از مهم ترین دلایلی بود که روحانیون را به حمایت از مشروطه بر می انگيخت. با جنگ های ایران و روس، از دست دادن شهرهای بسیار، مداخلات روزافزون روس و انگلیس در امور داخلی ایران، قراردادهای امتیازات بسیاری که نصیب روس و انگلیس و کشورهای دیگر شده بود، روحانیون مشروطه خواه می کوشیدند با ایجاد مشروطیت بر اساس اسلام، از سرزمین اسلامی دفاع کنند. در حقیقت در جامعه ای که نه احزاب وجود داشته باشند و نه می توانست وجود داشته باشند، روحانیون، با نفوذ و اقتداری که در دوره قاجار پیدا کرده بودند عملاً تنها جریانی بودند که می توانستند نقش اپوزیسیون حکومت را به خود اختصاص دهند و داعیه حکومت هم داشته باشند. اگر چه با سلطنت همکاری هم می کردند اما این همکاری مشروط بود. از این جهت مشروط بود که اگر حکومت را مطابق میل خود می دیدند با مشروع جلوه دادن آن با آن همکاری می کردند و اگر قدرت ایستادگی در برابر آن را نداشتند راه سازش پیش می گرفتند و از سر مصلحت سکوت می کردند.^۱

روحانیون دو جبهه متمایز و مخالف داشتند: سنت پرستان و مشروطه خواهان.^۲ ملایان مشروطه طلب تحت تأثیر جریان روشنفکری به مشروطیت گرائیدند. گروه علما در طغیان همگانی و در حرکت مشروطه خواهی شرکت داشتند ولی پایه تعقل سیاسی شان بسیار ضعیف بود اما در طبقه ملایان، عنصر آزاد اندیش و روشن بین نیز وجود داشت. این ها اگر چه مبتکر فکر مشروطیت نبودند ولی از حرکت ملی پشتیبانی می کردند و با آن همراه شدند. در مقابل جبهه ملایان مشروطه خواه، روحانیت شریعت پناه بودند. این گروه به ظاهر دو جناح داشت: یکی طرفداران مجلس شورای اسلامی، مجلسی که مدارش بر احکام شریعت باشد، دوم جناح متشرعان راست افراطی که اساس مجلس و قانون را مردود می دانست. آن دو جناح، ظاهراً از هم متمایز بودند، ولی در معنی به هم پیوسته بودند و جهت فعالیت آنها به یک نقطه می انجامید، به این معنی که گروهی از علما، مفهوم مشروطه مشروع را به میان

۱. ماشاء الله أجدانی: مشروطه ایرانی، ص ۱۰۲.

۲. فریدون آدمیت: ایدئولوژی و نهضت مشروطه ایران، ص ۱۰۸.

آوردند که نه تنها منطقی نبود بلکه تأیید مطلقیت و دفع مشروطیت بود. در واقع ملایان مخالف مشروطیت برای مبارزه با مشروطیت به احکام شرع متوسل می شدند و تنها تکیه گاه فکری آنان، قواعد شرع بود. مشروطیت بر آن شده بود که با ایجاد دولت قانونی و نگارش قانون اساسی ساختار دو قدرت سیاسی و اجتماعی دین و دولت را به هم بزند و با محدود ساختن قدرت سلطنت و قدرت روحانیت، به قدرت تازه ای دست یابد. قدرتی که می بایست در حکومت قانون تجلی یابد و همه مردم در برابر آن متساوی الحقوق باشند. اما مشکل بزرگ نهضت مشروطه از لحاظ اجتماعی این بود که می خواست بر اساس همان ساختار دو گانه قدرت به چنین حکومتی یعنی حکومت قانون دست یابند. اگر مشارکت روشنفکران بدان جهت بود که قدرت سلطنت و دیانت هر دو را محدود کنند، مشارکت روحانیون در اصل برای محدود کردن قدرت سلطنت و حفظ قدرت اسلام بود. بنابر این مقارن فعالیت مجلس در تدوین متمم قانون اساسی، اصطلاح «مشروطه مشروعه» بر سر زبان افتاد و هوادارانی یافت. در این جدال، مهم تر از جنبه دینی اش، قضیه نبرد قدرت طلبی روحانیون مطرح بود. متفکر مشروطیت مشروعه شیخ فضل الله نوری بود که از علمای تراز اول بود و پایه اش را در اجتهاد، برتر از طباطبایی و بهبهانی دانسته اند.^۱ روزگاری هر سه در فعالیت مشروطه خواهی شرکت داشتند. با اختلافی که میان شیخ فضل الله نوری و دو سید، خاصه با بهبهانی بوجود آمد، در صف پیشوایان روحانی تفرقه افتاد. سید بهبهانی از برتری و قوت شیخ فضل الله آگاه بود و رضایت نداد که در ریاست شرعی و قدرت سیاسی وی شریک شود. ترجیح می داد که به مخالفت برآید تا اینکه در کارها تصرفی داشته باشد حال اینکه شیخ فضل الله هم به اندازه او ذیحق بود. زیرکی بهبهانی در این بود که به همه احوال خود را با مشروطه خواهی دمساز می ساخت گرچه انگیزه اصلی اش ریاست فائقه روحانی بود و داعیه چنین ریاستی را در سر می پروراند. در مقابل این موقع شناسی بهبهانی، غلط اندیشی شیخ فضل الله در این بود که می پنداشت با افراشتن لوای مشروطیت مشروعه بتواند پیشوایی روحانی را بدست آورد. بنابر این مفهوم مشروطه مشروعه زاده چنین رقابت و خود پرستی ملایی بود. شیخ فضل الله نوری به نهضت پیوست تا حکومت دینی تأسیس کند. او بسیاری از جنبه های انقلاب را محکوم می کرد. از جمله تشکیل انجمن ها و مدارس جدید زنان و از همه مهم تر با حقوق نیم بندی که در قانون اساسی ۱۹۰۶ مدون شده بود مخالف بود.^۲

۱. فریدون آدمیت: ایدئولوژی و نهضت مشروطه ایران، ص ۲۹.

۲. ژانت آفاری: انقلاب مشروطه ایران، ص ۱۳۸.

مهم‌ترین افزوده نوری به متمم پیشنهادی، تشکیل شورایی از علما در خارج از مجلس برای نظارت بر تک‌تک قوانین مجلس بود. شورای علمای پیشنهادی نوری شامل پنج روحانی عالیرتبه می‌شد. نمایندگان مجلس تحت فشار نوری و متحدانش موفقیت کردند که هیأتی از علمای برجسته تهران و ایالات به اتفاق نمایندگان، متمم قانون اساسی را مطالعه کرده و هر ماده‌ای را که با اصول شریعت منافات داشته باشد دوباره بنویسند. یکی دیگر از انگیزه‌های مخالفت با مشروطه از جناح روحانیون مخالف مشروطه، مسأله تساوی در برابر قانون و آزادی بود. مخالفان این پرسش را مطرح کردند که چگونه ممکن است زرتشتی و مسیحی و کلیمی و مردم بی‌دین با مسلمانان در برابر قانون از حقوق مساوی برخوردار باشند؟ چنین چیزی را با شرع و قانون شریعت مخالف می‌دیدند.^۱

مخالفت مشروعه‌خواهان صرفاً مخالفت به اصول نظام مشروطه نبود بلکه با تجدد هم سرستیز داشتند. تنها نظام پارلمانی، آزادی یا مساوات نبود که مخالف شرع تلقی می‌شد، بلکه راه آهن، بانک، مدارس جدید، تئاتر، سینما، حتی نرخ گذاری اجناس، سجل احوال و ایجاد شناسنامه هم مخالف شرع و غیر اسلامی محسوب می‌شد. در رساله کوتاهی که از شیخ فضل الله نوری در دست است چند اصل مهم مشروطیت، اصل وکالت، حریت و مساوات یعنی آزادی و برابری و اصل وضع قوانین بیش از هر اصل دیگری مورد مخالفت قرار گرفته است. به هر صورت متمم قانون اساسی که شامل ۱۰۷ ماده بود در هفتم اکتبر ۱۹۰۷ میلادی یعنی پانزدهم مهر ماه ۱۳۸۶ ه.ش رسماً در نخستین سالگرد مجلس به تصویب رسید. در ماده یک اعلام شد که اسلام (مذهب شیعه اثنی عشری) دین رسمی کشور است. و شاه موظف است مروج این مذهب باشد. ماده دو میگفت قوانین مجلس نباید خلاف مبانی اسلام و یا اصولی که پیامبر عرضه کرده باشد.

شیخ فضل الله نوری در مخالفتی که بعدها با مشروطه پیدا کرد اعلامیه‌ها و تلگرافها به نجف و شهرستان‌ها فرستاد و بر کنار ماندن از مشروطیت را ترغیب نمود. مشروطه را بدعت و آنرا مخرب دین اسلام معرفی کرد و با جماعتی از مریدان به شاه عبدالعظیم رفته و تحصن نمود و علیرغم پافشاری مجلس و علمای دیگر بر تحصن خود باقی ماند. مجلس نیز ناچار شد قیام شیخ فضل الله نوری را به حجج الاسلام نجف تلگراف بزند. حجج الاسلام نجف عبدالله مازندرانی و محمد کاظم خراسانی اعلام کردند که تأسیس مجلس برای رفاه ملت و حفظ اسلام است و مخالفت با آن مخالفت با شرع است. وقتی دیده شد که شیخ از تصمیم

۱. ماشاء الله آجودانی: مشروطه ایرانی، ص ۱۴۴.

خود بر نمی گردد از طرف مراجع تقلید، تلگرافی به این مضمون مخابره گردید: «نوری چون محل آسایش و مفسد است، تصرفش در امور حرام است.»^۱ در ۳۱ ژوئیه سال ۱۹۰۹م (۹ مرداد ۱۲۸۸ه.ش) شیخ فضل الله نوری به حکم یک دادگاه انقلابی در ملا عام به دار آویخته شد. دو هفته پیش از آن نیروهای انقلابی تهران را فتح کرده بودند و با خلع سلاح شاه، مشروطه را اعاده کرده بودند. در سال ۱۹۰۷م، پس از ماهها رویارویی با مشروطه خواهان، نوری توانسته بود از سیادت علما دفاع کند و شورایی از علما و روحانیون نوعی حق وتو بر مصوبات مجلس بدست آورده بود اما در ژوئیه ۱۹۰۹م این روحانی برجسته که عالی ترین مراجع نجف اجازه اجتهاد گرفته بود و به همین دلیل در اقدام هایش مصونیت سیاسی داشت، توسط محکمه انقلابی تهران مفسد فی الأرض شناخته شد. حکم اعدام او را مراجع نجف تأیید کردند. سپس او را در میدان توپخانه تهران در نزدیکی مجلس مانند یک مجرم عادی به دار آویختند. این کلام آخر که نقل قولی از مجتهد آزادی خواه سید محمد طباطبایی است نشان می دهد که برآستی مبتکر مفهوم مشروطیت ملایان نبودند بلکه تحت تأثیر و تلقین افکار ترقی خواهان و روشنفکران دل به مشروطه دادند. او چنین گواهی می دهد: «ما مشروطه را خودمان ندیده بودیم ولی آنچه شنیده بودیم و آنهایی که ممالک مشروطه را دیده بودند به ما گفتند مشروطیت موجب امنیت و آبادی مملکت است. ما هم شوق و عشقی حاصل نموده تا ترتیب مشروطیت را در این مملکت برقرار نمودیم».^۲

۳-۴- ایلات و عشایر

ایلات عمدتاً در کوهستان ها یا جلگه های سرسبز زندگی می کردند. ایلخان بر ایل خود فرمانروایی می کرد. مالیات را جمع آوری می نمود و با یاری ملاها، دادگاه های عمومی را اداره می کرد. با این حساب، دیگر دولت مرکزی وظیفه ای در قلمرو ایل نداشت و از همین رو افراد ایل نشین نیز به قدرت مرکزی فکر نمی کردند. همراه با پیشرفت در شیوه های زراعی، در ایلات نیز گرایش به اسکان دائم تقویت شد، بخشی به دام پرداختند و به کوچ ادامه دادند و بخشی یکجا نشین شدند و به زراعت پرداختند. اصلی ترین واحد اجتماعی ایلات و عشایر، گروه بود که از ۱۰ تا ۱۰۰ خانوار تشکیل می شد. رهبران گروه ها، کدخداها یا ریش سفیدها بودند. دومین حلقه اجتماعی این قبایل، طایفه بود که از چندین گروه تشکیل می شد و خوانین و کلانتران هم رهبران این طایفه ها بودند. سومین حلقه قبایل کوچنده،

۱. ابراهیم فخرایی: گیلان در جنبش، تهران، امیر کبیر، ۲۵۳۹، ص ۹۹.

۲. فریدون آدمیت: ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، ص ۲۹۹.

ایل بود که خان بزرگ آنرا رهبری می کرد.^۱ شمار ایل ها متفاوت بود. خان، ایل را در برابر تهدیدات خارجی مانند روستائیان محلی، مالیات بگیران دولتی و یا قبایل دیگر محافظت می کرد و هنگام جنگ، فرماندهی را به عهده می گرفت. در دوره ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۴ میلادی حدود ۲۵ درصد جمعیت را ایل نشینان تشکیل می دادند.^۲ ایلات و عشایر نیز مانند دولت قاجار با قدرت های خارجی روسیه، بریتانیا و آلمان تماس گرفتند و مناسباتی برقرار کردند. دولت بریتانیا به بعضی از ایلات و عشایر، هدایا و سلاح می دادند تا از آنها در راستای اهداف خود بهره گیری نمایند. به ایل بختیاری عوارض راه داری می داد تا اجازه دهد کالاهای انگلیسی از منطقه اش عبور کنند. ایلات و عشایر مهم ایران در آغاز قرن بیستم عبارت بودند از: کردها، قشقایی ها، لرها، بختیاری ها، ایلات خمسه، شاهسون ها و ترکمن ها. همه این ایلات حاکمیت شاه و حق وی را در تعیین رئیس ایل قبول داشتند اما شاه عملاً در امور داخلی ایل دخالتی نمی کرد و اغلب ایلات و قبایل تا زمانی که کسی کاری به کارشان نداشت نسبت به دولت مرکزی بی تفاوت بودند.^۳ با این وجود، قبایل و ایلات و عشایر، نقش مهمی در ناسیونالیسم ایرانی داشتند. وفاداری ایلات و عشایر در ایران، با قدرت حکومت مرکزی تناسب داشته و زمانی که دولت قوی بر سر کار بوده، راهزنی ها و چپاول های ایلات هم به حداقل رسیده و هر گاه دولت مرکزی ضعیف بوده یورش ایلات به کاروان ها، روستاها و حتی شهرها افزایش می یافته است. از نظر اکثریت ایلات ایران، انقلاب مشروطه به معنی روی کار آمدن دولت های ضعیفی بود که به تدریج جای خود را به دولت های باز هم ضعیف تر می دادند. به همین دلیل در سال های ۱۲۸۵ و ۱۲۸۷ ه.ش که دولت مرکزی ضعیف شد، غارت ها و راهزنی های ایلات شدت گرفت. همانطور که پیش از این اشاره شد، عدم اطاعت و ایلات از قوانین مملکتی تأثیر مهمی در ناسیونالیسم ایران داشت. نخست اینکه در اثر ناامنی ایجاد شده توسط راهزنان ایلی، ایلات دور و نزدیک به پایتخت مالیات خود را نمی پرداختند و دولت مرکزی را با مشکلات مالی مواجه می ساختند، مضاف بر اینکه مبلغی هم صرف سرکوب راهزنان و ایجاد امنیت راه ها می شد. دوم اینکه با قطع ارتباط ایالت ها با تهران در اثر ناامنی، این اطمینان حاصل می شد که ناسیونالیسم، مسئله ای خاص تهران است و بنابراین از دامنه نفوذ و قدرت آن کاسته می شد. سوم ناتوانی دولت مشروطه در استقرار امنیت داخلی این تردید را به وجود می آورد که مبدا ایران هنوز آمادگی قبول دموکراسی لیبرالی را ندارد و

۱. پرواند آبراهامیان: ایران بین دو انقلاب، ص ۲۹.

۲. جان فوران: مقاومت شکننده، ص ۲۱۰.

۳. ریچارد کاتم: ناسیونالیسم در ایران، ص ده.

همین امر، زمینه استقرار حکومت دیکتاتوری رضا خان شد. چهارم ناامنی کشور و ناتوانی دولت مرکزی باعث مداخله روس و انگلیس بخاطر حفظ منافع تجاری شان می شد. اما مخالفت ایلات و عشایر تنها به استقرار دولت مرکزی قوی محدود نمی شد و آنان با هر نوع سلطه خارجی بر ایران بشدت مخالفت می کردند. مثلاً ایل شاهسون در آذربایجان مدام با مشروطه خواهان مخالفت کرده و در کنار محمد علی شاه بوده است. اما وقتی که روس ها آذربایجان را اشغال کردند، شاهسون ها شجاعانه به نبرد و مبارزه با آنان پرداختند.^۱ در جریان انقلاب مشروطه، شاهسون ها و ترکمن ها مخالف مشروطه و بختیاری ها هوادار مشروطه بودند. سردار اسعد و صمصام السلطنه بدنبال پیروزی، از رهبران مشروطه و جنبش ملی شدند و افراد ایل بختیاری در تهران پادگانی ایجاد کردند و از دولت مرکزی حمایت کردند. سران ایل بختیاری به پاس خدماتی که به مشروطه گردند در ردیف چهره های سرشناس ملی در آمدند و ایل بختیاری نه تنها اجازه قانونی جمع آوری مالیات در محدوده خود را کسب نمود بلکه بخشی از درآمد مالیاتی ارتش نیز به آنان اختصاص یافت.^۲ سردار اسعد که در سال ۱۲۸۶ ه.ش از اروپا به ایران بازگشته بود به دموکراسی لیبرالی پایبند بود. محمد علی شاه تصمیم گرفت از سردار اسعد انتقام بگیرد و یکی از رقبای دیرین صمصام السلطنه را به ایلخانی بختیاری ها برگزید. صمصام السلطنه نیز نیروهای قبیله ای خویش را جمع آوری کرده و با سردار اسعد بختیاری از کمیته انقلابی متحد شد. نزاع های قدیمی مربوط به زمین میان خانواده خود و طوایف عرب همسایه را حل کرد و با تصرف اصفهان، نیروهای خود و داوطلبان اصفهانی را به سوی تهران حرکت داد.^۳ با قیام ایلات، موقعیت سلطنت طلبان به شدت تضعیف شد و سرانجام در ۲۲ تیر ماه یperm خان و صمصام السلطنه به تهران رسیدند و نیروهای بختیاری و مبارزین دیگر، شهر را گشودند، شاه نیز به سفارت روسیه پناهنده شد. سردار اسعد درباره فتح تهران اینگونه می گوید:

«یک ماه توقف من در اصفهان طول کشید و آنچه تلگراف و مکتوبات از تهران می رسید دلالت می کرد که محمد علی میرزا به وعده خود وفا نخواهد نمود. باز مصمم شدیم که به طرف تهران حرکت نموده، تأسیس مجلس را درخواست نماییم و هرگاه کار به مقاتله کشید برای خدمت به ملت جانفشانی کنیم. به عجله سوار خواستم و یک اندازه سواری که حاضر شد دیگر توقف ننمودم و با صمصام السلطنه قرار گذاشتم که هر چه از سوار ایل برسد، دسته

۱. ریچارد کاتم: ناسیونالیسم در ایران، ص ۵۹.

۲. ریچارد کاتم: همان، ص ۵۷.

۳. پرواند آبراهامیان: ایران بین دو انقلاب، ص ۱۲۵.

دسته یک اردو تشکیل داده و به امداد من روانه کند. خودم هزار سوار انتخاب کرده در جمادی الثانی ۱۳۲۷ ه‍.ق به تهران عزیمت نمودم.^۱

۳-۵- زنان

مسئله حقوق زنان و فمینیسم در غرب با دگرگونی‌های اجتماعی بوجود آمد و پیشرفت کرد در حقیقت لازمه جامعه‌ای بود که به سرعت بسوی دموکراسی و آزادی‌های مدنی پیش می‌رفت. مری آستل از مدافعان حقوق زنان در سال ۱۷۰۰ میلادی این پرسش‌ها را مطرح کرد که اگر حاکمیت مطلق یک کشور ضروری نیست پس چرا در خانواده لازم است و اگر در خانواده ضروریست چرا در کشور نباشد؟ اگر همه انسانها آزاد به دنیا می‌آیند، چرا همه زن‌ها باید برده به دنیا بیایند و هستی آنها باید تابع اراده متغیر و نامعلوم و به دلخواه مردان باشد.^۲

فمینیسم در غرب، ریشه در رشد سرمایه داری و استثمار زنان در کارخانه‌ها داشت اما در ایران مسائل دیگری چون محرومیت زنان از تحصیل، وابستگی شدید زنان از نظر اقتصادی به پدران، شوهران و پسران خود، به دلیل ناتوانی اداره زندگی خود از راه داشتن شغل مستقل و مهم‌تر از همه ساختار مذهبی حاکم بر اجتماع ایران که ارزش زنان را به صورت رسمی و شرعی نصف ارزش مرد فرض می‌کند و نیز تعدد زوجات و حق طلاق و حق حضانت فرزندان باعث بوجود آمدن اندیشه‌های فمینیستی و مسائل مربوط به حقوق زنان گردید. همچنین آشنایی با فرهنگ و تمدن اروپا در دوران معاصر، تأسیس مدارس جدید توسعه مسیونرهای مذهبی غربی و انتشار روزنامه‌های متعدد پس از انقلاب مشروطه را نیز می‌توان از عوامل آگاهی زنان در عصر قاجار دانست. اگر چه زنان ایرانی چه پیش از عصر مشروطه و چه در دوران انقلاب مشروطه در برخی فعالیت‌های سیاسی اجتماعی شرکت کردند اما این حضور هیچ‌گاه مفهوم مبارزه برای کسب حقوق فردی و اجتماعی زنان را در بر نداشت. در ایران مسئله زنان فقط هنگامی مطرح شد که انقلاب مشروطه این فرصت را برای زنان فراهم آورد که در برخی نشریات این دوره و یا انتشار نشریه‌ای ویژه زنان، به دفاع از حقوق اولیه خود چون حق آموزش و داشتن شغل مستقل رو آورند. در جنبش مشروطه شاهد حضور زنان هر چند به صورت کم‌رنگ در جامعه هستیم که خواستار حقوق اولیه خود چون حق تعلیم و تربیت از مجلس و دولت مشروطه بودند. بویژه آنکه مجلس با متساوی‌الحقوق دانستن

۱. احمد کسروی: تاریخ هیجده ساله آذربایجان، تهران، انتشارات هاشمی، ۱۳۸۸، ص ۴۱.

۲. غلام رضا وطن دوست: بررسی موقعیت زنان ایرانی در نشریات مشروطه، ص ۱۳.

ایرانیان، دولت را متعهد به آموزش اتباع خود بدون در نظر گرفتن جنسیت افراد کرده بود. زنان قبل و بعد از مشروطه در فعالیت های اجتماعی چون حمایت از متحصنین سفارت انگلیس در حوادث مشروطه اول، حمایت گسترده از تشکیل بانک ملی مصوب مجلس اول و راهپیمایی علیه اولتیماتوم روسیه شرکت داشتند.

پیش از انقلاب مشروطه، توجه به موضوعاتی چون لزوم تأسیس مدرسه و آموزش علوم به زنان برای تربیت فرزندان بهتر آغاز شده بود. بعنوان نمونه روزنامه تربیت ۹ سال پیش از تصویب قانون مشروطه در سال ۱۳۱۵ ه.ق به لزوم تربیت دختران و پسران پرداخته بود. با پیروزی انقلاب مشروطه در ایران، این جریان با وسعت بیشتری ادامه یافت. هر چند مخالفان، باز شدن مدارس دختران و دبستان دوشیزگان را در کنار اشاعه فاحشه خانه ها قرار دارند اما نامه هایی به مجلس نوشته شد و مقالاتی در روزنامه ها چاپ شد که نه تنها خواستار فراهم آمدن شرایطی برای آموزش دختران بودند که حتی به شیوه آموزش نیز توجه کردند. نخستین گام برای تأسیس مدرسه ای دخترانه از سوی خانم طوبی رشديه از خاندان رشديه صورت گرفت این مدرسه که پرورش نام گرفت، تنها چهار روز پس از گشوده شدن بدلیل مخالفت های شدید بسته شد. اگر چه سه سال بعد کوشش دیگری از سوی بی بی خانم وزیران در تأسیس مدرسه دخترانه ملی صورت گرفت، اما این تلاش نیز با اخطار اداره معارف بی نتیجه ماند. بدین ترتیب تا آغاز جنبش مشروطه هیچ مدرسه دخترانه ای اجازه تأسیس نیافت. اما تغییر شرایط کشور، این فرصت را فراهم آورد تا در سال ۱۳۲۶ ه.ق / ۱۲۸۷ ه.ش خانم طوبی آزموده به کمک میرزا حسن رشديه در حالیکه بیان مشهور شیخ فضل الله نوری، مدرسه دختران را در ردیف فاحشه خانه ها قرار می داد، مدرسه دخترانه ناموس را تأسیس کند. علمای ضد مشروطه با اصلاح و تعلیم و تربیت مخالف بودند و خیلی وقت ها زنان فعال نهضت را به داشتن گرایش های بایی متهم می کردند. شیخ فضل الله نوری و سید علی شوشتری مدارس جدید را محکوم کردند و فتوا دادند که این گونه نهادها خلاف اسلام هستند. حمله علما و طلاب سبب جدایی زنان مبارز از علمای مخالف شد. در آغاز انقلاب مشروطه، زنان فعال، حامی علمایی بودند که به اعتصاب ها پیوسته بودند. اما وقتی نوری و طرفدارانش با فتوا علیه تحصیل زنان علنا مخالفت خود را با تحصیل زنان اعلام کردند، عده ای از زنان درباره مرجعیت علما به تردید افتادند و برخی نیز سعی کردند از علما بخواهند از مخالفت با تحصیل زنان دست بردارند.^۱

۱. ژانت آفاری: انقلاب مشروطه ایران، ص ۲۵۰.

در اعتصاب سال ۱۹۰۶ م (۱۳۲۴ ه.ق) که تحصن گروه وسیعی از طلاب، کسبه و اصناف صورت گرفته بود، گروه کوچکی از زنان هم به تظاهرات در حمایت از علما پیوستند. این زنان که کفن سفید به تن داشتند به شیوه سنتی بر سر و سینه خود می کوفتند و سربازان را نفرین می کردند و می گویند که یکی از زنان مقنعه خود را بر چوبی آویخت و مقامات را مسخره کرد و گفت با تبعید علما از این به بعد عقد دختران مسلمان را باید مسیونوز بلژیکی ببندد.^۱

در جمادی الاول سال ۱۳۲۴ ه.ق/۱۹۰۶ م شاه بیمار قاجار فرمان مشروطیت را امضا کرد و کمتر از دو ماه بعد مجلس شورای ملی گشوده شد اما هنگامی که قانون اساسی مشروطه تدوین شد در آن هیچ سخنی از حقوق و آزادی های اجتماعی و فردی ملت ایران دیده نمی شد. در سال بعد و در فرصتی ۹ ماهه نمایندگان مجلس به بازنگری قانون اساسی پرداختند و متمم قانون اساسی در یکصد و هفت اصل از تصویب مجلس گذشت که مهم ترین اصول آن به آزادی های فردی و حقوق اجتماعی افراد می پرداخت. در واقع از همان مراحل نخست جنبش مشروطه شاهد حضور زنان هستیم. گروهی از زنان در تظاهرات بصورت های مختلف شرکت می کردند. آنها به اعتصاب ها کمک می کردند، از مشروطه طلبان حمایت مالی و معنوی نمودند و برای دفاع از آنها خود را در برابر قوای شاه سپر می کردند، در سال ۱۹۰۵ م چنانکه اشاره شد گروهی از زنان صف بستند و همانند سدی به طرفداری از علمایی که در حرم عبدالعظیم بست نشسته بودند در برابر قوای مسلح حکومتی ایستادگی کردند. در تابستان ۱۹۰۶ م که مشروطه خواهان در باغ سفارت بریتانیا متحصن شدند، چندین هزار زن گرد آمدند تا به اعتصاب کنندگاه بپیوندند اما مقامات بریتانیایی مداخله کردند و مانع شرکت آنان شدند. زنانی که در جنبش ملی فعال بودند در جنبش تحریم منسوجات واردات اروپایی نیز شرکت کردند. این نهضت شباهت هایی با نهضت ملی هند در سال های ۱۹۱۱-۱۹۰۴ م داشت که در آن، زنان هندی اجناس بریتانیایی را تحریم کرده بودند. اعتقاد بر این بود که تحریم منسوجات اروپایی در ایران، ملت را از وابستگی اش به تولید کنندگان اروپایی آزاد می کند. همچنین ایجاد انجمن ها در دوره مشروطه یکی از فعالیت های مهم زنان در تلاش برای همبستگی و رشد افکار و اندیشه زنان در شناخت موقعیت و جایگاه خویش در جامعه و آشنایی با مسائل سیاسی کشور بود. این انجمن ها، نخستین گروه های منظم زنان بود. که برای هدف خاصی گرد هم آمدند. وجود چنین گروه هایی نشانه رشد و بیداری زنان بود. تأثیر

۱. ژانت آفاری: انقلاب مشروطه ایران، ص ۸۲.

گذاری و نفوذ این انجمن ها از راه انتشار روزنامه هایی بود که ارگان رسمی آنان محسوب می شد. تشکیل انجمن های مهم زنان در تبریز با ۱۵۰ عضو در بهمن سال ۱۲۸۶ ه.ش و سپس انجمن آزادی زنان و اتحادیه غیبی نسوان در همان سال در تهران، آغاز کار گروهی زنان بود.^۱ انجمن آزادی زنان یکی از نخستین جمعیت های زنان بود که پس از تصویب قانون اساسی در ۳۰ دسامبر ۱۹۰۶ میلادی (۹ دی ۱۲۸۵ ش) تشکیل شد. عده ای از زنان و مردان صاحب نام در جلسات این گروه که دو هفته یکبار تشکیل می شد شرکت می کردند. دو تن از دست اندرکاران این انجمن، دختران ناصرالدین شاه بودند. یکی تاج السلطنه و دیگری افتخار السلطنه.

بنابراین برخی از انجمن های زنان که در سالهای ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۱ م فعال بودند از این قرارند:

۱- انجمن آزادی زنان که در اوایل ۱۹۰۷ م تشکیل شد.

۲- اتحادیه غیبی نسوان.

۳- انجمن نسوان که هم در مشروطه اول و هم در مشروطه دوم فعالیت داشت.

۴- انجمن مخدرات وطن که جلسات خود را در ۱۹۱۰ م آغاز کرد. در این انجمن عده ای از زنان برجسته عضو بودند که با رهبران مشروطه ارتباط نزدیک داشتند و در تظاهرات دسامبر ۱۹۱۱ م نقش اصلی را ایفا کردند.

غیر از این انجمن های اصلی، بنام چند انجمن دیگر هم در این دوره بر می خوریم مانند اتحادیه نسوان، انجمن همت خواتین و هیئت خواتین مرکزی که در جریان اولتیماتوم روسیه در ۱۹۱۱ م نقش فعالی بازی کردند. در ژوئن ۱۹۰۸ م (خرداد ۱۲۸۷ ه.ش) که مجلس به توپ بسته شد و مرکز مشروطیت به تبریز انتقال یافت، گروه های زنان این شهر به نهضت مقاومت پیوستند و برای اعاده مشروطیت مبارزه کردند. در جریان محاصره ده ماهه تبریز توسط قشون سلطنتی، گروه هایی از زنان با شجاعت و دلیری تمام با لباس مبدل برای دفاع از شهر به مردان ملحق شدند. زنان دهقان در روستاهای کوچک آذربایجان، نوزادان خود را به کول بستند و تفنگ به دست گرفتند و دوشادوش مردان جنگیدند. در میان نیروهای ملی که سرانجام در ۱۹۰۹ م (۱۲۸۸ ه.ش) پایتخت را فتح کردند. چندین زن نیز بودند که متأسفانه اطلاعات زیادی در موردشان نداریم. یکی از آنها لیلا، زن دهقان گیلانی بود که از دست اربابی که به او تجاوز کرده بود گریخته و به مبارزان پیوسته بود. دیگری زن کردی بود که شوهرش

۱. غلام رضا وطن دوست: بررسی موقعیت زن ایرانی در تشرین و بررسی موقعیت زن ایرانی در نشریات مشروطه، ص ۱۷.

را نیروهای سلطنتی اعدام کرده بودند. اسفیک دختر سیزده ساله یپر خان، رهبر نیروهای ملی نیز در میان مبارزان بود. در ژوئیه ۱۹۰۹م که پایتخت فتح و حکومت مشروطه اعاده شد مبارزه برای تحصیل زنان و مشارکت اجتماعی بالا گرفت. خاطرات تاج السلطنه، دختر ناصرالدین شاه و زن درس خوانده روشن اندیش، منعکس کننده هشیاری تازه ای است نسبت به مقام اجتماعی زن در اوان حرکت مشروطه خواهی در ایران که بد نیست در پایان به گوشه ای از آن اشاره کنیم. او می گوید: «آدمی آزاد و مختار خلق شده و دلیلی ندارد که محکوم به حکم دیگری باشد بلکه مقام انسانی ایجاب می کند از آزادی برخوردار باشد.» و با افسوس می گوید: «زنان ایرانی از نوع خود مجزا شده، خود را در هیکل سیاه عزا در آورده، ناامیدانه در زندان تاریک و زنجیر اسارت، روزگار می گذرانند و این نیست مگر از تربیت نایافتگی و از ضرر حجاب. اما بنگرید به غرب که زنان از حقوق خود دفاع کرده، حق انتخاب می خواهند، حق رأی می خواهند، حق دخالت در امور سیاسی و مملکتی می خواهند و تا درجه ای هم به مقصود خود رسیده اند.^۱ او آرزو می کند کند زنان ایران هم آزاد گردند و در امور مملکتی سهیم شوند.

۳-۶- دهقانان و پیشه وران و اصناف:

در اوایل قرن بیستم مهاجرت دهقانان ایرانی به تهران و سایر شهرهای بزرگ، دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی ایجاد نمود و این تازه واردان به شهرها تحت عنوان «کارگر» قلمداد می‌شدند به شغل‌های موقت غیر تخصصی روی آوردند. ذهنیت شان همان ذهنیت دهقانی بود، هر چند افق دیدشان نسبت به سابق بازتر می‌شد. اما نمی‌توان گفت از نظر سیاسی هم، آگاه و صاحب نظر بودند. در واقع به جز موارد استثنائی، کارگر غیر ماهر فاقد هر گونه جهت‌گیری سیاسی بود و تظاهرات و بلواهای سیاسی که کارگران غیر ماهر در آن شرکت داشتند به نفوذ رهبران مذهبی مربوط می‌شده است. کارگران غیر ماهر ایرانی تنها به هنگام کمبود نان و بلواهای ناشی از آن به فعالیت سیاسی کشیده می‌شدند و چون این بلواها هر دو رژیم استبدادی و مشروطیت روی می‌داد می‌توان گفت کارگر غیر ماهر در این بلواها نسبت به استبداد و یا مشروطه جهت‌گیری خاص سیاسی نداشت و در حقیقت رهبران مذهبی شهری که جهت‌گیری سیاسی داشتند، کارگران غیر ماهر را بدون اینکه خودشان بدانند به فعالیت‌های سیاسی می‌کشاندند. از طرف دیگر با افزایش بی‌سابقه تجارت و داد و ستد، شبکه‌های حمل و نقل بین اروپا و خاورمیانه ایجاد شد و ایران مثل بسیاری از

^۱. فریدون آدمیت: اینولوژی و نهضت مشروطیت ایران، ص ۲۷.

کشورهای جهان سوم، منبع مواد خام ارزان و بازار محصولات کشورهای صنعتی اروپا شد. تاجران بزرگ از این تغییرات منتفع می شدند ولی بخش های دیگر جامعه ضرر می کردند. دهقانان می دیدند که مالیات ها افزایش می یابند و زمین و استقلال و بسیاری از حقوق ارضی خود را از دست می دهند. صدور گسترده مصنوعات اروپایی به ایران برای بسیاری از پیشه وران ایرانی زبان بخش بود. چون حکومت و قدرت های خارجی به صنعتی شدن حقیقی ایران علاقه ای نداشتند، شمار بیکاران فزونی یافت و عده زیادی از دهقانان و پیشه وران برای کارهای فصلی به قفقاز و آسیای میانه کوچیدند. قانونی در فوریه ۱۹۰۳ میلادی (۱۲۸۱ ه.ش) نرخ مقرر برای کالاهای وارداتی را کاهش داد و باعث شد وضع پیشه وران بدتر شود و پیشه وران کشور با رقابت نیرومندانه بیگانه روبرو شوند. حبل المتقین گزارش میدهد که پیشه وران و اصناف به موج اعتراض ها ملحق می شدند تا حکومت به تشویق صنایع داخلی و حمایت از آنها در رقابت با محصولات صنعتی روسی وارد شود. تعدادی جمعیت مخفی و نیمه مخفی که در آنها ایده های اولیه حکومت مشروطه مورد بحث قرار می گرفت رفته رفته در کشور تشکیل شد و بحث های این جمعیت ها و اعتصاب هایی که در سال های ۱۹۰۵ و ۱۹۰۶ شکل گرفت دامنه نهضت را وسعت داد. با نفوذ اجتماعی فکر آزادی و مشروطه خواهی در روستاها، رعایا کم و بیش فهمیدند که پس از این، حکمرانی به اراده مردم است. و با آزادی ملت، طبقه زارع دیگر بندگی همنوع خودشان را نمی پذیرند. این خود، مقدمه هشیاری دهقانان به اشتراک منافع اجتماعی خویش بود. بدون چنین بیداری و هشیاری طبقاتی، برزگران متشکل نمی شدند و حرکت اجتماعی نمی کردند.

اصناف، کسبه، پیشه وران و مردم خرده پا که عوام الناس و توده شهرنشین را می ساختند نیز تحت تأثیر تبلیغ فکری رهایی از دستگاه استبداد به حرکت درآمدند. مردمی که سالیان سال به قحطی نان و گرانی، ازدحام و طغیان عادت داشتند. به آسانی به هر جنبش علیه دستگاه حاکم می پیوستند. طبقه عامه تربیت اجتماعی درستی نداشت اما از شعور متعارفی برخوردار بود و حکومت نیک و بد را تشخیص می داد. در مشروطه اول ۱۹۰۶ تا ۱۹۰۸ م (۱۲۸۵ تا ۱۲۸۷ ه.ش) برخی از دهقانان با حمایت پیشه وران، کسبه جزء، کارگران مهاجر، واعظان رادیکال و در شمال کشور همراه با صیادان دست به اعتصاب هایی در همبستگی با نهضت انقلابی زدند.^۱ در نواحی شمال و پر رونق گیلان و آذربایجان که در اثر مجاورت گسترده و پیوندهای قومی مستقیماً تحت تأثیر جریان افکار رادیکال از قفقاز قرار داشتند

۱. ژانت آفاری: انقلاب مشروطه ایران، ص ۱۹۳.

شورش‌ها پر دامنه تر بود. مبارزه اجتماعی در میان پیشه‌وران و کسبه جزء که ارتباطات صنفی خود را حفظ کرده بودند پیشینه دراز داشت. و سنت‌های اتحاد با تهیدستان شهری در این نواحی نیرومندتر بود.

گروهی از دهقانان و پیشه‌وران شهرهای کوچک و روستاهای بزرگ از انقلاب حمایت می‌کردند و برای اصلاحات به انجمن‌ها و مجلس امید بستند. تظلم‌ها و شکواییه‌هایی از جانب دهقانان به نمایندگی از آنان خطاب به صاحبان روزنامه‌ها، نمایندگان مجلس با اعضای انجمن‌ها نوشته می‌شد. از اعتصاب‌ها و تشکیل انجمن‌های دهقانی در بعضی روستاها نیز گزارش‌هایی می‌رسید. به رغم بی‌سودای حاکم بر روستاها برخی از روستاییان می‌کوشیدند صدای خود را از طریق روزنامه‌های تهران و تبریز به گوش‌ها برسانند. منطقه‌ی خزر، عرصه پایدارترین شورش‌های دهقانی دوره مشروطه بود. مقاومت دهقانان در این منطقه پیشینه داشت و اوضاع جغرافیایی منحصر بفرد آن نیز به این امر کمک می‌کرد. آب فراوان و خاک حاصلخیز که موجب برداشت بیشتر محصول و فزونی جمعیت می‌شد. به این دهقانان در برابر قیاس با دهقانان سایر مناطق خشک تر ایران، استقلال بیشتری در برابر مالکان می‌داد. کانون جنبش دهقانان گیلان شهر رشت بود. پانصد تن از زارعین در مسجد، از تعدیات مالکان متحصن شدند و گفتند دیگر مال الاجاره نمی‌دهیم. دهقانان در برابر تعدیات مالکین سر بر آوردند و یکی از رعایا ارباب ملک را کتک زد و بیرون راند و بدین ترتیب جنبش دهقانی علیه مالکان در گرفت.^۱ در مارس ۱۹۰۷ م (اسفند ۱۲۸۵ ه.ش) پیشه‌وران رشت اعتصاب کردند. رشت با سی هزار نفر جمعیت، مرکز تجارت ابریشم ایران به شمار می‌آمد و به دلیل فعالیت چندین شرکت اروپایی که کارخانه و دفاتری در آنجا تأسیس کرده بودند چهره‌ای بین‌المللی یافته بود. اعتصاب دهقانان در رشت به اخراج زمین‌داران و مباشران از روستاهای متعدد انجامید. دهقانان همدان نیز در اعتراضیه‌ای به حکومت نوشتند که دو سوم اراضی مزروعی در تملک شش زمین‌دار است. از قوچان، دهقانان درباره فروش دخترانشان به کنیزی مالک جدید شکایت کردند. در کرمانشاه، دهقانان از راهزنانی که زنان و کودکان را می‌کشتند شکایت کردند و پرسیدند: چرا با وجود انقلاب و قانون اساسی، وضع هزاران روستایی بطور جدی مورد بحث مجلس قرار نگرفته است. عده‌ای هم از قصر شیرین شکایت کردند که هشت ماه از افتتاح مجلس جدید می‌گذرد اما برای خلاصی دهقانان از دست مالکان و حکام

^۱. فریدون آدمیت: فکر دموکراسی در نهضت مشروطه ایران، تهران، گستره، ۱۳۸۷، ص ۷۰.

مستبد، اقدامی نشده است. از کرمان نیز نامه هایی در صور اسرافیل چاپ شد که اقدام ها و اعتراض های دهقانان را منعکس می کرد.

در ژوئیه ۱۹۰۷ م (تیر ماه ۱۲۸۶ ه.ش) شهر یزد صحنه تحصن دهقانان در تلگرافخانه شد. دهقانان از ظلم و تعدی مالیات بگیران شکایت کردند و تا یک سال بعد، اعتراض های دهقانان برای لغو مالیات های اضافی همچنان ادامه داشت. و عده ای از آنان در اعتراض به وضع موجود دست به خودکشی زدند.^۱ در اعتراضات و تظاهراتی که در محرم ۱۲۸۵ ه.ش بدنبال کشته و زخمی شدن چند تن از مردم شکل گرفت، اصناف نیز نقش مهمی داشتند. سازماندهی این جمعیت ها که بیشتر بازاری بودند را کمیته ای از بزرگان اصناف بر عهده داشت و در جریان اعتصاب ها نیز این کمیته ها برای کمک به کارگران فقیری که توان ادامه یک اعتصاب طولانی مدت را نداشتند به جمع آوری پول از تجار ثروتمند می پرداخت.^۲ در مجلس نیز پر سر و صداترین نمایندگان، اعضای اصناف بودند. سی و دو نماینده اصناف تهران به مجلس راه یافتند. این نمایندگان از حمایت انجمن های مرکزی اصناف برخوردار بودند که هفتاد صنف را در بر می گرفت. آنها مشروطه را آئین خود می دانستند و متن قانون اساسی را از ابتدا تا انتها حفظ کرده بودند و

در تمام مسایل به آن استناد می کردند. اصناف حامیان نیرومند مجلس بودند اما حامیان همیشگی نمایندگان لیبرال دموکرات نبودند و وقتی بحث از ناسازگاری قوانین جدید با قوانین شریعت در مجلس در گرفت، عده ای از اعضای اصناف از اختیارات علما و از زمین داران و تاجران سنتی دفاع کردند.

۳-۷- بازرگانان

بازرگانان بعنوان رکن اصلی بازار، یکی از گروه های قدرتمند بودند و بر اساس جایگاه اجتماعی و اقتصادی خود به ایفای نقش در مسائل جامعه می پرداختند. آنان با آغاز حکومت قاجار و سلطه گری دول روس و انگلیس با وضعیت نامناسبی روبرو شدند. ضعف حکومت مرکزی و سلطه قدرت های خارجی باعث افزایش تضاد میان بازرگانان و حاکمیت شد. بی نتیجه ماندن تلاش های گروهی بازرگانان برای مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی باعث شد تا آنان آگاهانه برای تحقق خواسته های تاریخی خود از فعال ترین گروه های اجتماعی در جریان جنبش توتون و تنباکو و بعد جنبش مشروطیت شدند.

^۱ . ژانت آفاری: انقلاب مشروطه ایران، ص ۲۰۴.

^۲ . پرواند آبراهامیان: ایران بین دو انقلاب، ص ۱۰۸.

پیروزی مردم بویژه بازرگانان در قیام علیه امتیاز توتون و تنباکو، زمینه همکاری دو نیروی بانفوذ یعنی روحانیون و بازاریان را فراهم آورد. بازار و روحانیون همواره با هم همبستگی داشتند. بازار، مبانی اقتصادی و مالی روحانیون را فراهم می ساخت و روحانیت نیز در مواقع ضروری، حامی بازاریان در برابر تعدیات عمال دیوانی بود. در واقع پیروزی جبهه متحد بازار و روحانیت در جنبش تنباکو مقدمه ای شد برای قیام های بعدی از جمله انقلاب مشروطیت. پس از ماجرای تنباکو، قضیه گمرک و مأموران بلژیکی یکی از عواملی بود که به درگیری بازاریان، تجار و علما با رؤسای بلژیکی گمرک انجامید و مقدمه حوادثی شد که نهایتاً به انقلاب مشروطیت ختم گردید. بازرگانان در روند انقلاب مشروطه نقش مهمی ایفا کردند و در جریان سه بار بست نشینی سالهای ورشکستگی دولت قاجار ناراضی بودند، از امنیت مالکیت طرفداری می کردند و بسیاری نیز با سیاست دولت قاجار مبنی بر مزایای تعرفه ای برای سرمایه داران داخلی و سلطه بانک های بیگانه مخالفت داشتند، هر چند که برخی از بازرگانان نیز از مراوده با شرکت های خارجی سود سرشاری می بردند. پیشینه حضور بازرگانان و نقش آنان بخصوص در انقلاب مشروطیت را در فصل بعد به طور مفصل مورد بحث قرار می دهیم.

فصل چهارم: نقش بازرگانان در جنبش مشروطه ایران

در دوره قاجار، بازرگانان، قدرتمندترین طبقه شهری به شمار می آمدند. آنان در خرید و فروش محصولات کشاورزی، صنایع دستی و فرآورده های ایلی در سراسر ایران و همچنین در بازارهای خارجی دست داشتند. بازرگانان ایرانی جزو کسانی بودند که برای اولین بار، تلاش در راه صنعتی کردن ایران را آغاز کردند. این بازرگانان از دهه ۱۸۷۰ میلادی/ ۱۲۵۰ ه.ش به ثروت زیادی دست یافتند که علت آن تا حد زیادی افزایش واردات اجناس خارجی و محصولات صادراتی ایران بود. یکی دیگر از منابع ثروت، شکل گیری مجموعه شرکت های بانکداری - تجاری بزرگ بود که چند تن از بازرگان عمده در یک شرکت گرد هم می آمدند (شرکت های فارس). در کنار بازرگانان عمده، تاجران خرده پا و نزول خواران قرار داشتند و چون نمی توانستند قرارهای خاصی با مقامات دولت بگذارند، بار عمده مالیات و عوارض راهداری بر عهده آنان بود و اکثریت این افراد ستون بازار را تشکیل می دادند.

بازار از حجره ها، کارگاه ها، بانک ها، محل کار اصناف، فروشگاه ها، مراکز تجاری و اماکن مذهبی تشکیل می شد. در این بازارها، تجار کالاهای خود را می فروختند، صنعتگران به تولید اشتغال داشتند، بازرگانان مسجد می ساختند، مراجع مذهبی وعظ می کردند، صرافان وام می دادند و دولت نیز به ذخیره غله می پرداخت. علیرغم اینکه بازار و بازاریان کارکردهای اقتصادی و اجتماعی مهم و حساس داشتند اما بدلیل تفاوت ها و اختلاف های گروهی، نفوذ سیاسی چندانی نداشتند. آذربایجانی ها در بازرگانی و فرستادن کالا به کشورها دیگر از سایر مردم ایران جلوتر بودند و در تفلیس، باکو، عشق آباد و دیگر شهرها رشته بازرگانی را دست داشتند. همچنین در استانبول و دیگر شهرهای عثمانی و برخی شهرهای اروپا فعالیت های بازرگانی داشتند. این بازرگانان که پیشرفت کشورهای اروپایی را می دیدند به پیشرفت کشور خویش نیز علاقه مند می شدند و همین بازرگانان بودند که در جنبش مشروطه در دادن پول و کمک، از دیگران پیشی گرفتند.

باری، بتدریج سرازیر شدن کالاهای خارجی به بازارهای ایران و تلاش ناکام در ایجاد کارخانه های جدید به بسیاری از بازاریان آسیب وارد آورد. با این حساب، تماس با غرب باعث

سود سرشار معدودی از بازرگانان می شد که پیوندهایی با خارج برقرار کرده بودند و در نتیجه شکاف میان آنان با تاجران خرده پا وسیع تر شد و این خصوصیت شدید و نارضایتی بازاریان آنها را علیه حکومت قاجار و قدرت های خارجی حاکم بر ایران برانگیخت. در ربع آخر قرن نوزدهم، تلاشهایی از سوی تجار در اعتراض به امتیازات خارجی شکل گرفت و رفته رفته به حرکت های اعتراض آمیز تبدیل شد. تاجر برای فعالیت های خود به دولتی با ثبات و متمرکز نیاز داشت و ناسیونالیسم که خواهان یکپارچگی ایران بود برای بازرگانان ایران جاذبه زیادی داشت. از طرفی هر امتیازی که به بازرگانان خارجی داده می شد، آینده و دورنمای کسب و کار بازرگان ایرانی تیره تر جلوه می کرد و چون ناسیونالیسم خواهان استقلال و پایان دادن به مداخله خارجیان بود، بازرگانان ایرانی را به سوی خود جلب نمود.

۴-۱- بازرگانان و جنبش تنباکو

در ۲۰ مارس ۱۸۹۰ م (۱۳۰۷ ه.ق) امتیاز تنباکو برای مدت پنجاه سال به تالبوت از اتباع بریتانیا واگذار شد. این امتیاز به حق تولید، فروش و صدور کل محصول تنباکوی ایران مربوط می شد. طبق این قرارداد مقرر گردید شرکت تالبوت سالانه ۱۵۰۰۰ پوند به علاوه یک چهارم سودخالص را به شاه بپردازد. و در عوض به تالبوت اجازه داده شد همه توتون و تنباکوی تولید شده در ایران را خریداری کند. قبلا در ۱۸۸۸ م و ۱۸۸۹ م میلادی امتیازات دیگری نیز واگذار شده بود، از جمله حق کشتیرانی در کارون و تأسیس بانک شاهی بریتانیا در ایران، اما این قرارداد که مدت آن پنجاه سال بود، بیش از سایر امتیازات، منافع بازرگانان، مغازه داران، اصناف و توتون کاران را مستقیماً در معرض تهدید قرار می داد.^۱

پس از این قرارداد دولت عثمانی انحصار واردات و فروش تنباکو را در ترکیه به شرکت تالبوت واگذار کرد یعنی عملاً دست بازرگانان ایرانی را کوتاه نمود. اما از آنجا که رژی نمی توانست بدون همکاری و توافق تنباکو کاران و بازرگانان پیش برود تصمیم گرفتند دولتمردان و تجار بزرگ را در سهام شرکت سهیم کنند. دیگر اینکه کار رژی را بدست خود تنباکو فروشان پیش ببرند و سرانجام داد و ستد را به خود بازرگانان بسپارند و از خود آنها خرید کنند. در واقع برپایی رژی از همان نخست با دشمنی بازرگانان روبرو نشد بلکه بسیاری امیدوار هم شدند که چه بسا بتوانند از این راه، تنباکو را به عنوان یک تولید صنعتی رواج دهند. به همین جهت در ابتدا روی خوش نشان دادند اما رفته رفته رژی بنای ناسازگاری گذاشت و از پیمان هایی که با تجار بسته بود چشم پوشید و بازرگانان نتوانستند آنچنان که پیش بینی

^۱. جان فوران: مقاومت شکننده، ص ۲۵۰.

کردند از کمپانی سود ببرند.^۱ همان طور که اشاره شد پس از برپایی رژی، آزادی تجارت در خارج ایران از بازرگانان ایرانی گرفته شد و از آن پس، تجار تبعه ایران در استانبول حق فروش نداشتند. در این زمینه همه کوشش های امین الضرب و بازرگانان تا مدت ها بی نتیجه ماند.

رژی ایران با همکاری رژی عثمانی و شرکت تنباکو، کار بازرگانان ایرانی را در ترکیه به کساد کشاند، یعنی حق خرید و فروش آزاد از آنان گرفت و منحصر به رژی کرد. در جریان همکاری بازرگانان و تنباکو فروشان با رژی، حاج امین الضرب که ریاست بازرگانان را بر عهده داشت رابط میان بازرگانان و رژی شد. سیاهه های خرید از کشتزارهای تنباکو را برای او می فرستادند و سفارش خرید هم از سوی او به ولایات می رفت. در سال ۱۸۹۱ م گمرکچیان ترکیه ناگهان برای کالاهایی که از مرز ایران می گذشتند به جای ۴ درصد ۸ درصد گمرک خواستند. بازرگانان ایرانی شکایت کردند و از این پس اشکال تراشی بر سر راه دادو سند ایرانیان چنان بود که گاه ۷۵۰ لیره عثمانی از بازرگانان ایرانی حق گمرک می گرفتند. این رویدادها در داد و ستد تنباکو هم بی اثر بود. پیش از امتیازنامه رژی و شرکت تنباکو، قرار بازرگانان ایرانی با دولت عثمانی چنین بود که آنچه از اصفهان و شیراز و کاشان و سایر بلاد به خاک عثمانی وارد میکردند از تجار ایرانی صدی هفتاد و پنج می گرفتند و به اختیار خود، همه جا فروخته می شد.^۲ هیأتی از بازرگانان ایرانی به شاه اعتراض کردند و از آن پس مخالفت آنان با سیاست های داخلی و خارجی دولت ادامه یافت. در جریان نهضت تنباکو طبقه بازرگانان در مبارزه خود علیه امتیازهای خارجی با ذکاوت عمل کرد و با شاه و وزیران در یک صف قرارنگرفت بلکه با علمای با نفوذ هم رأی شد و توانست نهضتی مردمی به راه اندازد.^۳ در اعتراض به امتیاز انحصار توتون و تنباکو، در روز ششم مارس ۱۸۹۱م تاجران توتون و تنباکو در حرم شاه عبدالعظیم بست نشستند و طی دادخواستی اعلام کردند که به هیچ عنوان با رژی کنار نخواهند آمد. در جریان این جنبش، بازرگانان و بازاریان، درس خواندگان جدید، طلاب و عامه مردم شرکت داشتند. روزنامه قانون هم به پشتیبانی از آنان آمد. در کرمان با آمدن مأمور کمپانی رژی به آن شهر، دویست کاسب و تاجر کرمانی که کار آنها منحصر به تنباکو فروشی بود دست از کار کشیدند. بدنبال آن، بازرگانان قلیان های خود را شکستند و برخی افراد دیگر هم از آنان متابعت نمودند. انگیزه اصلی جنبش، اقتصادی و سیاسی بود. اولین گروه اجتماعی که علیه آن برخاست صنف کاسب و تاجر توتون و تنباکو بود و سپس

۱. هما ناطق: بازرگانان در داد و ستد با بانک شاهی و رژی تنباکو، انتشارات طوس، ۱۳۷۳، ص ۱۲۰.

۲. هما ناطق: بازرگانان در داد و ستد با بانک شاهی و رژی تنباکو، ص ۱۰۳.

۳. ژانت آفاری: انقلاب مشروطه ایران، ص ۵۲.

با مشارکت سایر طبقات بصورت یک حرکت اجتماعی متشکل در آمد. و هدف آن بزرگتر از مسأله تنباکو بود. دادن امتیاز نامه دخانیات به کمپانی انگلیسی از نظر اقتصادی زیان بخش بود، از نظر اجتماعی ویرانگر و از لحاظ سیاسی غلط بود.^۱ هیچ دلیل موجهی نبود که مجموع فعالیت های تولیدی و تجاری مهمی را که توتون کار و کاسب و بازرگان ایرانی از عهده اش بخوبی بر می آمدند، به کمپانی یک کشور استعماری بسپارند. اما به هر حال نهضت تنباکو با تحریم عمومی محصولات تنباکو در بیشتر نقاط کشور برای نخستین بار نشان داد که تاجران توانستند اعتراض های خود را به نتیجه سیاسی موفقیت آمیزی برسانند.

۴-۲- بازرگانان و انقلاب مشروطه

در آغاز قرن بیستم طبقه متوسط به یک نیروی همبسته ملی تبدیل شد. ایجاد خطوط تلگراف، گسترش راه ها انتشار روزنامه و ایجاد نظام پستی، ارتباطات را آسان تر کرد. با پیوستن ایران به اقتصاد جهانی، بازارهای محلی در اقتصاد ملی ادغام شد. واردات محصولات کارخانه ای، حجم تجارت داخلی را افزایش داد و صدور محصولات کشاورزی، خودکفایی جوامع بومی را از بین برد. واردات انبوه محصولات کارخانه ای خارجی بویژه منسوجات، صنایع دستی را سست و تضعیف کرد و در نتیجه بیشتر بازاریان، بیگانگان را دشمن خود قلمداد می کردند. امتیازات واگذار شده به بازرگانان خارجی، بازرگانان ایرانی را تضعیف نمود. مثلا اروپایی وارد کننده تولیدات پنبه ای ۵ درصد عوارض گمرکی می پرداخت ولی وارد کننده ایرانی همان کالا علاوه بر این ۵ درصد، ۷-۸ درصد عوارض اضافی و مالیات می پرداخت. از طرف دیگر تورم نیز توان رقابتی بازرگانان ایرانی را کاهش می داد. بعد از قتل ناصر الدین شاه، پادشاه جدید مظفرالدین شاه نیز سیاست های نادرست او را در این مورد دنبال کرد. او بازرگانان داخلی را وادار کرد تا تعرفه های بیشتری بپردازند و مهم تر اینکه درهای کشور را به روی سرمایه گذاران خارجی گشود و به فکر گرفتن وام خارجی افتاد وام هایی از روس و انگلیس گرفت و برای تضمین بازپرداخت این وام ها، مسیونوز بلژیکی را به ریاست کل گمرکات ایران منصوب کرد. در ابتدا در واکنش به این اقدامات گروهی از بازرگانان اصفهان شرکت اسلامی تشکیل دادند که نخستین شرکت سهامی کشور بود^۲ و هدف آن رفع نیازمندی های کشور از طریق فراگیری صنایع جدید مثل نساجی و پشتیبانی از صنایع دستی به ویژه هنر مینیاتور بود به تدریج با شکل گیری گروه های سیاسی و فرهنگی اوضاع شکل

۱. فریدون آدمیت: ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، ص ۳۶.

۲. ایرواند آبراهامیان: ایران بین دو انقلاب، ص ۹۹.

دیگری یافت. در دهه قبل از انقلاب مشروطه، انواع جمعیت های سیاسی و فرهنگی در ایران تشکیل شد که در آنها ایده های اولیه اصلاحات و حکومت مشروطه مورد بحث قرار می گرفت. بعضی از این جمعیت ها، از حمایت بازرگانان برجسته ای برخوردار بودند که از سلطه اقتصادی و سیاسی اروپاییان، ناراضی بودند و مشارکت بیشتر طبقه تاجر را طلب می کردند. محمد حسن امین الضرب رهبر مجلس وکلای ایران در ۱۸۸۳ م و پسرش محمد حسین به تأسیس چند مدرسه جدید و یک کتابخانه عمومی کمک کردند.^۱ اتحادیه تاجران از حد و مرز قومیت فراتر می رفت و اعضای غیر مسلمان هم داشت. مانند برادران تومانیان که ارمنی و خانواده های جهانیان و جمشیدیان که زرتشتی بودند. بازرگانان از دوره تشکیل می شدند: یکی صنف تاجر که حرفه شان داد و ستد بود، دوم، سرمایه دارانی که با تأسیسات اقتصاد صنعتی جدید آشنایی داشتند و در پی فعالیت وسیع اقتصادی و همچنین سرمایه گذاری در صنعت تولید و ایجاد شرکت های صنعتی و تجاری بودند و بر حمایت صنایع ملی تأکید می کردند. در میان آنان افراد جهان دیده و روشنفکر، حتی عناصر تربیت یافته با تفکر اجتماعی رادیکال وجود داشت. نماینده کامل و تمام عیار تفکر بازرگانان شرقی سیاحتنامه ابراهیم بیگ، نوشته حاج زین العابدین مراغه ای است.

این طبقه در حرکت مشروطه خواهی و آزادی نقش عمده ای داشتند و میان آنان و طبقه روشنفکر پیوستگی فکری و عملی برقرار بود، تجانسی که هیچ گاه بین روشنفکران و ملایان بوجود نیامد. بازرگانان نیز سرانی داشتند که از بین آنان و از طرف خودشان انتخاب می شدند. آنها صندوق و انجمن هایی داشتند. اصناف، چیزی به دولت نمی پرداختند و به بازرگانان متکی بودند و برای آنان کار می کردند.^۲ در واقع چنین می توان گفت که هر یک از گروه های مؤثر در انقلاب مشروطه خواهان کاسته شدن نفوذ بیگانگان، انجام اصلاحات اجتماعی، تشکیل قانون و پارلمان بودند. بازرگانان اما برای این اندیشه ها چندان اهمیتی قائل نبودند و هنگامی که به خواست های مادی آنان جامه عمل پوشانده می شد شوق مشروطه خواهی آنان فروکش می کرد.^۳

به هر حال، اولین اتحادیه تاجران ایران بنام مجلس وکلای تجار در سال ۱۸۸۳ م (۱۲۶۳ ه.ش) در تهران تشکیل شد و یک سال دوام آورد. این تشکیلات به ابتکار محمد حسن امین

۱. ژانت آفاری: انقلاب مشروطه ایران، ص ۶۳.

۲. ویکتور برار: انقلابات ایران، ترجمه سید ضیاء الدین دهشیری، دانشگاه تهران، ۲۰۳۰ شاهنشاهی، ص ۹۱.

۳. ریچارد کانن: ناسیونالیسم در ایران، ص ۴.

الضرب، تاجر توانگری که با ناصر الدین شاه روابط صمیمانه داشت، تأسیس شده بود.^۱ این اتحادیه، شعبه‌هایی در اصفهان، قزوین، کرمان، کردستان، زنجان، خراسان، کرمانشاه، ساری، بندر لنگه، بندرعباس، ارومیه، خوی، تبریز و حتی در میان بازرگانان ایرانی ساکن بغداد و استانبول دایر کرد. اما این اتحادیه خیلی زود از چند طرف مورد حمله قرار گرفت. یکی از طرف علما و یکی هم از طرف حکام محلی و نیز وزیر تجارت، مخبرالدوله. امین‌الضرب کناره گرفت و علت کناره‌گیری را مخالفت علما ذکر کرد.

باری، چنانچه پیش‌تر ذکر شد سیاست‌های نادرست مظفرالدین شاه نارضایتی‌هایی را موجب شد. سفرهای پرهزینه مظفرالدین شاه به فرنگ و نیاز به استقراض خارجی برای تأمین هزینه سفرهای وی، ناآرامی شهرها بر اثر رشد بی‌رویه ساکنان، حکومت خودسرانه حکام ولایات و ایالات، برکناری امین‌السلطان و انتصاب عین‌الدوله به جای او، بحران اقتصادی، تجدید نظر دولت در مقررات گمرکی در سال ۱۹۰۳ م به نفع واردکننده کالاهای روسی و استفاده بلژیکی‌ها در اداره گمرک از سال ۱۸۹۹ م و سپردن اداره گمرک به مسیو نوز بلژیکی، نارضایتی شدید بازرگانان ایرانی را برانگیخت.^۲

نخستین استقراض خارجی مظفرالدین شاه از روسیه معادل ۶۰ میلیون فرانک بود که در سال ۱۸۹۹ م در باب آن مذاکره شد و در ژانویه ۱۹۰۰ قرارداد آن منعقد گردید و روسیه برای وثیقه از شاه خواست از طریق مأموران بلژیکی به اصلاح گمرک بپردازند.^۳ این امر موجب نارضایتی بازرگانان ایرانی شد و پس از اینکه شاه، نوز بلژیکی را سر رشته دار و مباشر خود کرد و اختیارات پنج شش وزارت خانه را به او سپرد، خشم مردم علیه مسیو نوز بلژیکی برانگیخته شد. شرح ماجرا اینکه، مظفرالدین شاه در سال ۱۸۹۶ م، امین سلطان را از صدر اعظمی برکنار کرد و امین‌الدوله اصلاح طلب را به جای او نشاند. امین‌الدوله دست به اصلاحاتی زد که یکی از آنها سپردن گمرک به مقامات بلژیکی بود. در این زمان، مخالفان که پس از لغو امتیاز تنباکو خاموش مانده بودند، به تحرک افتادند. و در حقیقت موضوعی که بر طبقه تاجر تأثیر گذاشت، اصلاحات وزیر بلژیکی گمرک بود که چند عنوان دیگر هم از دربار گرفته بود از جمله وزارت پست و تلگراف، خزانه دار، مدیر اداره گذرنامه، عضو شورای عالی کشور. یکی از عمده‌ترین کارهای کارگزاران بلژیکی، الغای گمرک داخلی بود. پس از آن به صادرات کشور، عوارض گوناگون تعلق گرفت که نه به سود بازرگانان ایرانی صادرکننده و نه

۱. ژانت آفاری: انقلاب مشروطه ایران، ص ۵۲.

۲. جان فوران: مقاومت شکننده، ص ۵۲.

۳. ویکتور برار: انقلابات ایران، ص ۲۰۸.

به نفع ترقی تجارت مملکت بود. گمرک داخلی را همیشه آشنایان به اقتصاد جدید انتقاد می کردند و الغای آن را لازم می دانستند. به اصرار نوز این رسم بر افتاد و صادر کنندگان ایرانی از منسوخ شدن گمرک داخلی رضایت داشتند.^۱ اما پس از اینکه تعرفه ها را تغییر دادند در بوشهر، شیراز و اصفهان و تهران بازرگانان و ملایان اعتراض کردند^۲ و بهانه آنها دو چیز بود یکی آنکه حضور یک بیگانه را بر سر کارهای کشور بر نمی تافتند و ملایان هم که از هر چیز تازه ای گریزان بودند با آنان همراهی کردند دوم اینکه تعرفه گمرکی را که بلژیکی ها نوشته بودند به زیان خود می دیدند. از طرفی بتدریج در گمرک ایران علاوه بر بلژیکی ها ارامنه ایران هم وارد شدند و تجاری که در سر حد ایران میخواستند اموال خود را از گمرک خارج کنند بدون دغدغه و زحمت و تفتیش کامل به هدف خود میرسیدند. و بر عکس در مورد مال التجاره ایرانیان مسلمان سخت گیری زیادی می کردند.^۳ در نتیجه این سخت گیری ها، بازرگانان به عین الدوله نامه نوشتند ولی او بی توجهی کرد و سرانجام به خواهش سعد الدوله قرار شد در نشست با حضور سران بازرگانان و نوز گفتگو شود در این نشست بازرگانان نشان دادند که از آنها چند برابر آنچه در تعرفه هست می گیرند و چون نوز نتوانست پاسخی بدهد در حضور عین الدوله و سعدو الدوله به بازرگانان دشنام داد.^۴ در اصلاحات گمرکی نوز، تاجران و زارعان تنها کسانی نبودند که از افزایش تورم و اصلاحات مالیاتی صدمه می دیدند، بلکه صرافان تهران نیز به موج اعتراض پیوستند زیرا چند سال بود که خزانه پول آنها را نداده بود. علما نیز بسته به پیوندهای مالیاتی خود به نحوی صدمه دیده بودند. برخی از آنها سه سال بود که مستمری خود را دریافت نکرده بودند در حالی که مظفرالدین شاه، همچنان به سفرهای پرخرج اروپایی می رفت^۵ و علما هم از پیشنهاد های نوز ناراضی بودند و می ترسیدند او مقرری آنها را کاهش دهد یا بر زمین های وقفی مالیات ببندد، بنابر این تاجران تحت تأثیر اصلاحات گمرکی او قرار گرفته بودند و زمین داران هم از پیشنهاد نوز مبنی بر اجرای اصلاحات مالیات ارضی بیمناک شده بودند. نخستین اعتراض به صورت یک راهپیمایی آرام در جریان عزاداری ماه محرم شکل گرفت. حدود دویست تن از مغازه داران و وام دهندگان، خواستار عزل مسیر نوز بلژیکی و بازپرداخت وام هایشان شدند. وام هایی که دولت از آنها

۱. فریدون آدمیت: ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، ص ۱۳۷.

۲. احمد کسروی: تاریخ مشروطه ایران، ص ۸۰.

۳. محمد علی تهرانی کاتوزیان: تاریخ انقلاب مشروطه ایران، تهران، انتشار، ۱۳۷۹، ص ۱۱۴.

۴. احمد کسروی: تاریخ مشروطه ایران، ص ۱۲۰.

۵. ژانت آفاری: انقلاب مشروطه ایران، ص ۵۱.

گرفته بود. راهپیمایان، مغازه ها را بستند و با توزیع عکس مسیو نوز در حالت رقص با لباس روحانی احساسات مذهبی تظاهر کنندگان را برانگیختند و به رهبری یکی از شال فروشان معتبر به سوی حرم عبدالعظیم به راه افتادند. خواسته های آنها عبارت بود از اینکه دولت باید سیاست کنونی کمک به روس ها را که به ضرر تجار و تولید کنندگان ایرانی است عوض کند. دولت باید از تجار ایرانی حمایت کند، هر چند که محصولات آنها هنوز به خوبی محصولات خارجی نیست.^۱ مظفرالدین شاه نیز که در شرف سفر به خارج بود قول داد که در بازگشت، نوز را برکنار کند، بدهی را بپردازد و کمیته ای متشکل از تجار در وزارتخانه تأسیس کند که البته این وعده ها عملی نشد. پس از این ماجرا شدیدترین ضربه بر اثر بحران اقتصادی سال ۱۳۲۳ ه.ق بر حکومت قاجار وارد شد. کمبود مواد غذایی به دلیل جنگ ژاپن و روسیه و متعاقب آن، انقلاب روسیه و شیوع وبا موجب شد قیمت برخی از مواد غذایی از جمله قند و شکر افزایش یافته و کمیاب شود. حاکم وقت تهران علاء الدوله، بازرگانان قند و شکر را تحت فشار قرار داد و در واکنش به افزایش قیمت قند و شکر و برای اینکه زهره چشمی از تجار عمده قند و شکر بگیرند دو تن از آنها را به دار الحکام احضار کرد و به فلک بست.^۲ یکی از آن دو، سید هاشم قندی بود که یکی از بازرگانان سالخورده و نیکوکاری بود که هزینه تعمیر بازار تهران را پرداخته و سه مسجد نیز در تهران ساخته بود.^۳ قضیه ضرب و شتم تجار قند و شکر چندین اعتراض در پی داشت. ابتدا گروهی از تجار و روحانیون در مسجد گرد آمدند تا اعتراض خود را به گوش عین الدوله صدراعظم برسانند. سپس گروهی از بازاریان و علما در حرم حضرت عبدالعظیم بست نشستند و ضمن درخواست عزل حاکم تهران، عزل مسیو نوز بلژیکی، اجرای احکام شریعت و تأسیس عدالتخانه را تقاضا نمودند.^۴ این اعتصاب با وعده شاه بر تأسیس عدالتخانه و پذیرش خواسته های متحصنین خاتمه یافت. پس از این ماجرا، اعتراض بعد در محرم سال ۱۲۸۵ ه.ش / ۱۹۰۶ م رخ داد که بیشتر نتیجه ناتوانی شاه در تشکیل عدالتخانه و عزل نوز و شدت عمل نیروهای پلیس برای دستگیری واعظی بود که علیه دولت سخنرانی کرده بود. بدنبال دستگیری واعظ و سایر سخنرانان مخالف، گروهی از طلاب خشمگین در مقر پلیس گرد آمدند. در نتیجه تیراندازی پلیس، یک طلبه جوان کشته شد. صبح روز بعد هزاران نفر طلبه، مغازه دار و اعضای اصناف که بسیاری از آنان کفن پوش

۱. پرواند آبراهامیان: ایران بین دو انقلاب، ص ۱۰.

۲. محمد سالار کسرائی: چالش سنت و مدرنیته در ایران، ص ۳۱۲.

۳. احمد کسروی: تاریخ مشروطه ایران، ص ۱۲۹.

۴. محمد سالار کسرائی: چالش سنت و مدرنیته در ایران از مشروطه، ص ۳۱۲.

بودند برای تشییع جنازه طلبه از بازار به سوی مسجد جامع به راه افتادند. درگیری هایی رخ داد که در این درگیری ها ۲۲ تن کشته و بیش از یکصد تن زخمی شدند.^۱ مخالفان، دو تظاهرات گسترده براه انداختند و گروهی از علما به رهبری طباطبایی و بهبهانی و شیخ فضل الله نوری به طرف قم راه افتادند و در آنجا بست نشستند. دو تن از تجار نیز نزد نمایندگان انگلیس رفتند و بعد از اینکه مطمئن شدند که سفارت انگلیس از تجمع و تحصن آنان جلوگیری نمی کند به همراه جمعیت بسیاری در سفارت انگلیس بست نشستند. در مدت کوتاهی شمار بست نشستگان در سفارت انگلیس به چهارده هزار نفر رسید که تقریباً معادل یک سوم نیروی کار تهران بود. در این بست نشینی وسیع، زنان هم بودند. سازماندهی این جمعیت را که بیشتر بازاری بودند، کمیته ای متشکل از بزرگان اصناف بر عهده داشت. این کمیته، محل اصناف را تعیین می کرد. همچنین به منظور حفظ اموال، مقرراتی وضع کرده بود. این کمیته، همچنین تظاهرات زنان را در بیرون از قصر سلطنتی سفارت سازمان می داد و بر ورود تازه واردان به محل تظاهرات نظارت میکرد. علاوه بر این، کمیته برای کمک به کارگران فقیری که توانایی ادامه یک اعتصاب طولانی را نداشتند به جمع آوری پول از تجار ثروتمند می پرداخت و سر انجام همین کمیته، فکر عدالتخانه را کنار گذاشت و خواستار تشکیل مجلس شورای ملی شد.^۲ خرج متحصنان را بازرگانان به عهده گرفتند و در یک مورد بیست هزار تومان چک کشیدند و بابت هزینه روزانه به بقال و عطار دادند. قرار شد خرج متحصنین سفارت را آقایان به ترتیب بپردازند: حاج حسین امین الضرب دوازده هزار تومان، حاج معین بوشهری پنج هزار تومان، ارباب جمشید فارس هفت هزار تومان، سایرین از تجار دوازده هزار تومان که هر یک از دویست تا پانصد تومان و خود فخر السلطنه دو هزار تومان.^۳ با این حال محمد علی تهرانی می گوید: من شخصا حاج محمد تقی بنکدار را ملاقات کرده و از او پرسیدم که چه کسی مخارج سفارت را می داده و او جواب داده است: من شخصا هیجده هزار تومان در بانک انگلیس پول دلشتم. پول مزبور را گرفته و به خرج سفارت رساندم و ما بقی را نسبه خریدم و فقط عده ای از تجار بعنوان اعانه، قند و چای و گرمک و یخ دادند و سی و چهار هزار تومان در مدت بیست و نه روز، مخارج متحصنین سفارت شد. و هنگامی که وکلای تهران انتخاب شدند مرحوم بهبهانی را ملاقات کرده و گفتم من تمام شدم و از پا

۱. پرواند آبراهامیان: ایران بین دو انقلاب، ص ۱۰۹.

۲. پرواند آبراهامیان: ایران بین دو انقلاب، ص ۱۰۸.

۳. فریدون آدمیت: ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، ص ۱۶۶.

افتادم. هستی ام رفت و مقدار زیادی مقروضم. بهبهانی گفت: باید حاج امین الضرب و حاج معین بوشهری و حاج حبیب بدهند و آنها هم مساعدت نکردند.^۱

باری بعد از تحصن سفارت، دربار، نخست خواسته آنان را که تأسیس مجلس ملی بود، پذیرفت ولی هنگامی که با اعتصاب عمومی در تهران و سیل تلگراف از ایالات در پشتیبانی از معترضان روبرو شد مجلس اسلامی را پیشنهاد کرد اما سر سختی و پافشاری برای تشکیل مجلس شورای ملی، رسیدن تلگراف هایی از باکو و تفلیس مبنی بر آمادگی برای اعزام نیروهای مبارز به ایران، شکاف بیشتر محافظه کاران و میانه روها در درون دولت و آگاهی از خبر سرپیچی احتمالی قزاق ها، تسلیم شدن دربار را ناگزیر ساخت. مظفردالدین شاه، سه هفته بعد از تحصن معترضان در سفارت انگلیس، مشیرالدوله یکی از دولتمردان آزادیخواه را به نخست وزیری برگزید و اعلامیه تشکیل مجلس شورای ملی را امضا کرد. در نخستین ماه های مشروطیت، بازرگانان نیرویی تقریباً یکپارچه بودند. بازاریان در واحدهای صنفی سازمان یافته، بصورت یکپارچه و دست جمعی در انقلاب مشروطه شرکت داشتند. در مجلس اول میانه روها که اکثریت را تشکیل می دادند توسط دو تاجر ثروتمند رهبری می شدند. یکی محمد علی شالفروش که رهبری راهپیمایی بسوی حرم عبدالعظیم را در خرداد ۱۲۸۴ ه.ش به عهده داشت. و دیگری امین الضرب مسئول پیشین ضرابخانه سلطنتی و تأمین کننده اصلی هزینه های بست نشینی در سفارت انگلیس که یکی از اشخاص بسیار ثروتمند ایران به شمار می رفت. مجلس اول در بحرانی ترین اوضاع اقتصادی و مالی بوجود آمد. دولت، بار گران قرض داخلی و خارجی را به گردن داشت. سه میلیون لیره به بازرگانان و توانگران قرض داشت. مجموع این ارقام به شصت میلیون تومان می رسید.^۲ مشکل نان هم در تهران بالا گرفته بود و نانواها نیز خود را مسئول نمی دانستند، لذا مجلس برای آسایش مردم مجبور شد مداخله کند. با عده ای از تجار وارد مذاکره گردید و بالاخره آقایان حاج امین الضرب و حاج معین بوشهری و حاج سید صراف و حاج حبیب و بعضی دیگر حاضر شدند برای رفاه مردم تهران تا خرمن آینده نان خوب به اهالی تهران از قرار یک من شش عباسی داده شود. و شرایطی برای آن پیشنهاد کردند که دولت مقداری گندم به قیمت عادلانه به کمپانی داده و در مدت هفت ماه، نان تهران را مطابق قرار داد تهیه و بفروش برساند.^۳

۱. محمد علی تهرانی کاتوزیان: تاریخ انقلاب مشروطه ایران، ص ۲۰۸.

۲. فریدون آدمیت: ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، ص ۳۳.

۳. محمد علی تهرانی کاتوزیان: تاریخ انقلاب مشروطه ایران، ص ۳۵۴.

از سوی دیگر در همین زمان، لایحه قرض مشترک از روس و انگلیس عرضه شد (۱۳۲۶ ه.ق). آن دو دولت مشترکاً مبلغ بیست کرور تومان توسط بانک استقراضی و شاهنشاهی با سود صدی هفت به ایران وام می دادند، گمرک شمال در گرو دولت روس می رفت و پستخانه و تلگرافخانه به گرو انگلیس، و اگر آن گرو کافی به نظر نمی رسید، گمرک خلیج فارس هم ضمیمه گرو انگلیس می گردید.^۱ پس از بالا رفتن بحث پیرامون این لایحه در مجلس، حاج آقا معین بوشهری تقاضا نمود صورت قرارنامه استقراض را به او بدهند تا اظهار نظر کند. سپس گفت در صورتی که دولت محتاج باشد و ملت همراهی و مساعدت کند، احتیاج به قرض از روس و انگلیس نخواهد بود که برای چهار کرور تومان مملکت را تسلیم بیگانگان کند. بانکی به نام ملت تشکیل خواهیم داد و نیاز دولت را بر طرف خواهیم نمود. پس از خاتمه نطق حاج معین بوشهری و سایر تجار با او هم آواز شدند. در این رابطه کسروی می گوید: «در جریان ایجاد بانک ملی بازرگانان که پیشروان ایشان حاج معین بوشهری و حاج امین الضرب و حاج محمد اسماعیل مغازه و ارباب جمشید بودند به گردن گرفتند که آن را بنیاد گزارند. اینان پذیرفتند که اگر دولت اجازه بدهد خود، بانکی برپا کنند و از سرمایه آن، دو کرور تومان به دولت وام بدهند.»^۲

اعلان بانک ملی ایران که از طرف مجلس منتشر شد می گفت: اکنون که آغاز ترقی و سعادت ایران است، دولت برای اصلاح امور احتیاج به وجه نقد دارد. مجلس ملی قرض از خارجه را تصویب ننموده و مصلحت دانسته که بانک ملی تأسیس گردد و هر کس به قدر توان و همت وطن پرستی خود، مبلغی بعنوان سرمایه شراکتی در این بانک بگذارد که این سرمایه توسط بانک برای داد و ستد استفاده گردد و رفع حوائج دولت بنماید. مؤسسان بانک یکصد نفر بودند مرکب از سرمایه داران و چند تن از رجال که هر کدام از پنج هزار تومان تا پنجاه هزار تومان سهم خریدند.^۳ پس از تصویب قانون امتیازنامه بانک ملی (۱۳۲۶ ه.ق) مردم به ایجاد بانک علاقه نشان دادند. مردم خرده پا، پیشه ور، محصلین مدارس و طبقه متوسط از حلاج و بنا گرفته تا زنانی که زیور آلات خود را فروختند، اندوخته خود را به مجلس فرستادند و به سرمایه بانک کمک کردند. عامه مردم که به خرید سهام بانک روی آوردند، آنرا نوعی قرض ملی تلقی می کردند و انگیزه شان در همکاری ملی این بود که مملکت گرفتار قرض خارجی و عواقب سیاسی آن نگردد. پس بدین ترتیب لایحه تأسیس بانک ملی توسط

۱. فریدون آدمیت: ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، ص ۴۳۳.

۲. احمد کسروی: تاریخ مشروطه ایران، ص ۲۳۰.

۳. فریدون آدمیت: ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، ص ۴۳۶.

هیأتی از بازرگانان به مجلس داده شد و بدنبال آن، اعلان بانک ملی ایران از طرف مجلس منتشر گردید. همچنین وقتی بازرگانان تهران، بازرگانان تبریز را به تلگرافی خواستند و گفتگوی بانک ملی را به میان آوردند آنان پاسخ دادند که نشستی بر پا کرده و نتیجه را آگاهی خواهند داد.

این بود که نشستی بر پا کردند و پس از سخنانی تصمیم گرفتند که با بانک ملی همراهی کنند و پول هایی گردآوری کردند ولی با دادن وام به دولت که بیشتر آن به کیسه بدخواهان توده می رفت موافق نبودند و در این باره تلگراف هایی، یکی به امضای علما و یکی به امضای بازرگان به تهران فرستادند.^۱ پس از باز شدن مجلس، نظامنامه انتخابات نوشته شد که این نظامنامه مردم را به شش طبقه تقسیم می کرد شامل: شاهزادگان و قاجاریان، علما و طلبه ها، اعیان ها، بازرگانان، زمین داران و کشاورزان و پیشه وران، که هر گروهی نمایندگانی در مجلس داشتند. نمایندگان بازرگانان اینها بودند: حاج حسین امین الضرب، حاج سید مرتضی مرتضوی، حاج محمد اسماعیل مغازه، حاج معین التجار بوشهری، میرزا محمد اسپهانی، حاج محمد علی شال فروش، حاج محمد تقی شاهرودی، وثوق الدوله، محقق الدوله و مخبر الملک. نمایندگان تجار در مجلس اول به موفقیت هایی دست یافتند. هم تاجران بزرگ و هم تاجران کوچک، در اعتراض های ۱۹۰۶ م شرکت کرده بودند و از نهضت های اعتصابی حمایت های مالی کرده بودند. نمایندگان تاجران موجب تصویب قانونی در مجلس شدند که اختیار حکومت را در مذاکره برای استقراض خارجی سلب کرده بود. طبقه تاجر از قدرت حکام محلی نیز کاست و در برکناری نوز نیز نقش فعالی بازی کرد، اما طرح بانک ملی موجب تشدید اختلاف طبقاتی در میان نمایندگان تاجران شد. تاجران کوچک از این طرح سود می بردند زیرا موجب افزایش اعتبارشان می شد، اما بعضی از تاجران بزرگ که صراف هم بودند چندان رغبتی به تحقق این طرح نداشتند.^۲

در تابستان ۱۹۰۷ چند تاجر ثروتمند مانند حاج محمد حسین امین الضرب که حمایت های مالی آنان از تحصن سفارت، هفته ها نهضت را دوام بخشیده بود، با میانه روی های مجلس همسو شده و از انتصاب امین السلطان به صدارت حمایت کردند. از سوی دیگر، تقی زاده، تاجر بیست و نه ساله آذربایجانی که تحت تأثیر افکار لیبرالیسم اروپایی و سوسیال دموکراسی بود و در تشکیلات مخفی کمیته انقلاب عضویت داشت با نخستین نطق خود در مجلس،

۱. احمد کسروی: تاریخ مشروطه ایران، ص ۲۳۳.

۲. ژانت آفاری: انقلاب مشروطه ایران، ص ۱۰۲.

قلوب و اذهان ملت را تسخیر کرد و خیلی زود در داخل و خارج کشور بعنوان یکی از رادیکال ترین نمایندگان مجلس شناخته شد.

علی موسیو که تاجر آذربایجانی رادیکالی بود و قبل از انقلاب، یک کارخانه چینی سازی در تبریز تأسیس کرده بود، تصمیم گرفت شعبه ای از خرقة اجتماعيون عاميون را در زادگاهش تأسیس کند. ده نفری از تاجران تبریز از جمله رسول صدیقانی، محمد علی تربیت، علی دوا فروش، ابوالحسن حکاکباشی، علی نقی گنجه ای سراج و یوسف خزدوز به علی موسیو کمک کردند.^۱ بنابراین انقلاب مشروطه ایران که در ابتدا از حمایت طبقات مختلف اجتماعی، علما، تاجران، اصناف، تهیدستان شهری و دهقانان برخوردار بود، در بهار سال ۱۹۰۷م (۱۲۸۶ه.ش) تبدیل به انقلاب مردمی با بسیاری خواسته های رادیکال اجتماعی و اقتصادی شد و دیگر از حمایت بسیاری از حامیان ثروتمند و نیز روحانیون روزهای نخست برخوردار نبود. زمین داران و تاجر ان ثروتمند که از خواستهای تهیدستان شهری و دهقانان در مورد اصلاحات، احساس خطر می کردند، با اصلاحات مجلس از جمله لغو تیول و افزایش مالیات های ارضی به مخالفت برخاستند. طبقات مرفه تبریز نیز از ناحیه انجمن تبریز احساس خطر کردند، زیرا انجمن تبریز فروش و توزیع غله در ایالات را کنترل می کرد و برای کالاها و اجناس ضروری نرخ تعیین کرده بود و زمین دارانی که قوانین جدید را می شکستند، مجازات می کرد و انبارهایشان را مصادره می نمود.

بنابراین به تدریج بازرگانان که نقش بسیار مهمی در انقلاب مشروطه داشتند تغییر موضع دادند. برخی از آنان در پیروی از روحانیت به انقلاب پیوسته بودند و عده ای نیز به خاطر بی ثباتی سیاسی و اقتصادی از انقلاب فاصله گرفتند و در نهایت بخش اعظمی از بازرگانان حمایت خود را از انقلاب پس گرفتند. در واقع می توان اینگونه سخن را جمع آوری نمود و نتیجه گرفت که روند حوادث قبل و بعد از مشروطه نشان داد که نا امن شدن محیط اقتصادی و زمینه کار تجار می تواند بسیار مهمتر از انگیزه آزادی خواهی و ترقی خواهی بر ورود تجار و بازرگانان به عرضه سیاسی تاثیر گذار باشد. بعبارت دیگر نمی توان رواج ایده آزادی خواهی را عامل مهمی در نظر گرفت که تجار بزرگ، تحت تاثیر آن به جنبش مشروطه پیوستند. گسترش روابط تجاری تا زمانی که سود بیشتری نصیب بازرگانان می کرد شرایط موجود مورد استقبال آنان قرار می گرفت، اما زمانی که سود تجار در چار چوب گسترش این روابط کاهش یافت و دولت امتیازات بیشتری به بازرگانان خارجی داد آن موقع بازرگانان به سایر

۱. ژانت افاری: انقلاب مشروطه ایران، ص ۱۱۰.

طبقات اجتماعی پیوستند و جنبش را تأیید کردند. بنابراین امنیت محیط تجاری و منافع صنفی، مهم ترین اصل برای بازرگانان عصر مشروطه بوده است و همانطور که دیدیم زمانی که به خواست های مادی آنها جامه عمل پوشانده شد، شوق مشروطه خواهی آنان فروکش کرد. زمانی که در راستای اصلاحات، گمرک به بلژیکی ها سپرده شد نیز تغییراتی که بلژیکی ها بوجود آوردند بر بازرگانان تأثیر گذاشت. به این معنی که سود بازرگانان بزرگ کاهش می یافت.

وارد کنندگان و صادر کنندگان می بایست سود بیشتری می پرداختند و نیز تعرفه های مختلفی برای معاملات خارجی و داخلی وضع شد. در واکنش به این اقدامات همانگونه که دیدیم صرافان و بازاریان تهران مغازه های خود را در حدود یکسال پیش از انقلاب در ۱۳۲۳ ه.ق بستند و در شاه عبدالعظیم بست نشستند و خواستار بیرون کردن نوز بلژیکی شدند. خلاصه کلام اینکه رکود اقتصادی سراسر کشور، بیکاری بالا، افزایش قیمت کالاهای اساسی، وضع بد صاحبان حرفه و پیشه وران، کاهش تولید کالاهای داخلی افزایش مشکلات و بدهی های صرافان تهران، عوامل مؤثر بر بازرگانان و سایر گروه های اقتصادی و اجتماعی بود و به هر صورت با همت بازرگانان جنبش توانست به توقف فعالیت نوز بلژیکی و همکاری، حذف نظام تیولدار، حذف کنترل مستقیم دولت بر فعالیت های اقتصادی و کاهش هزینه های دولتی و نیز تصویب بودجه ملی در مجلس شورای ملی جامه عمل بپوشاند.

کتابنامه

- (۱) آبراهامیان، پروانه: ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی، محمد ابراهیم فتاحی ولیلایی، تهران، نشرنی، ۱۳۷۷.
- (۲) آجودانی، ماشاء الله: مشروطه ایرانی، تهران، نشر اختران، ۱۳۸۲.
- (۳) آدمیت، فریدون: ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، تهران، نشر گستره، ۱۳۸۷.
- (۴) آدمیت، فریدون: فکر دموکراسی در نهضت مشروطیت ایران، تهران، نشر گستره، ۱۳۸۷.
- (۵) آفاری، ژانت: انقلاب مشروطه ایران، ترجمه رضاضایی، تهران، نشر بیستون، ۱۳۷۸.
- (۶) باستانی پاریزی، محمد ابراهیم: تلاش آزادی، تهران، نشر علم، ۱۳۸۲.
- (۷) برار، ویکتور: انقلابات ایران، ترجمه ضیاء الدین دهشیری، دانشگاه تهران، ۲۰۳۰ شاهنشاهی.
- (۸) تکمیل همایون، ناصر: مشروطه خواهی ایرانیان (مجموعه مقالات)، تهران، انتشارات باز، ۱۳۸۳.
- (۹) تهرانی کاتوزیان، محمد علی: تاریخ انقلاب مشروطه ایران، تهران، انتشار، ۱۳۷۹.
- (۱۰) حائری، عبدالهادی: تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران، امیر کبیر، ۱۳۹۶.
- (۱۱) ستایش، محمود: مشروطیت ایران، تهران، نشر ثالث، ۱۳۸۵.
- (۱۲) سعیدی، گلنار: انقلاب اول روسیه و عصر مشروطه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳.
- (۱۳) فخرایی، ابراهیم: گیلان در جنبش مشروطیت، تهران، امیرکبیر، ۲۰۳۲ شاهنشاهی.
- (۱۴) فوران، جان: مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی تا انقلاب)، ترجمه احمد تدین، تهران، نشر فرهنگی رسا، ۱۳۷۷.
- (۱۵) کاتم، ریچارد: ناسیونالیسم در ایران، ترجمه احمد تدین، تهران، نشر کویر، ۱۳۷۱.
- (۱۶) کسرابی، محمدسالار: چالش سنت و مدرنیته در ایران از مشروطه تا ۱۳۲۰، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۹.
- (۱۷) کسروی، احمد: تاریخ مشروطه ایران، ویراسته رحیم رضا زاده ملک، تهران، صدای معاصر، ۱۳۷۸.
- (۱۸) کسروی، احمد: تاریخ هیجده ساله آذربایجان، تهران، انتشارات هاشمی، ۱۳۸۶.
- (۱۹) ناطق، هما: بازرگانان در داد و ستد با بانک شاهی و ژری تنباکو، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۳.

۲۰) وطن دوست، غلامرضا: بررسی موقعیت زن ایرانی در نشریات مشروطه، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۵.